

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ

ضمیمهٔ دین و زندگی (۲)

تمامی رسته‌ها - ویژهٔ اهل سنت

پایهٔ یازدهم

دورهٔ دوم متوسطه





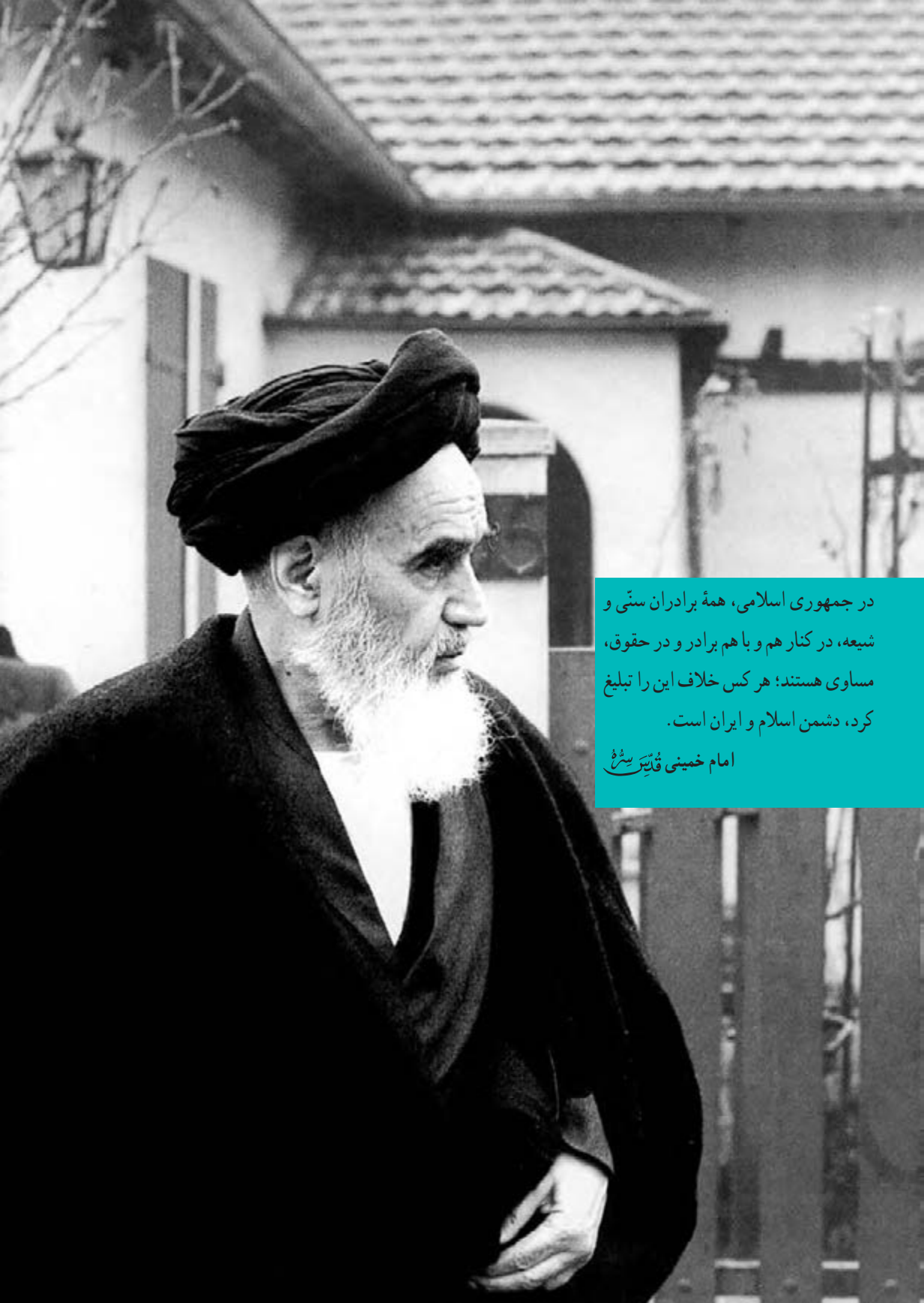
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: ضمیمهٔ دین و زندگی (۲) (ویژهٔ اهل سنت) - پایهٔ یازدهم دورهٔ دوم متوسطه - ۱۱۱۲۳۸
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسهٔ افزودهٔ برنامه‌ریزی و تألیف: حیدر الماسی، بهیه محمدی و عبدالله یعقوبی (اعضای گروه تألیف) - افسانه حجتی طباطبائی (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: ادارهٔ کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسهٔ افزودهٔ آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مریم نصرتی (صفحه‌آرا) - فاطمه باقری مهر، آذر روستایی فیروزآباد، حسین قاسم پوراقدم، زینت بهشتی شیرازی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
- تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)
- تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ چهارم ۱۴۰۱

شابک ۶-۳۴۱۰-۰۵-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-05-3410-6



در جمهوری اسلامی، همه برادران سنی و شیعه، در کنار هم و با هم برادر و در حقوق، مساوی هستند؛ هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است.

امام خمینی قَدَسَ سِرُّهُ

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است. هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی، ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



فهرست



- ۲ درس اوّل : خلافت و حکومت اسلامی پس از رسول خدا ﷺ
- ۹ درس دوم : شورا و خلافت اسلامی
- ۱۸ درس سوم : خُلفای راشدین
- ۳۰ درس چهارم : گستره و انشعابات علوم اسلامی پس از خلفای راشدین
- ۳۵ درس پنجم : احکام و فقه اسلامی (تخصصی برای علوم انسانی)
- ۴۷ درس ششم : اّمت واحده و بصیرت دینی
- ۵۵ درس هفتم : زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان (تخصصی برای علوم انسانی)
- ۶۴ درس هشتم : آینده تاریخ در پرتو اخلاق اسلامی

سخنی با دبیران و دانش‌آموزان

دبیران و دانش‌آموزان عزیز،

کتابی که در دست دارید شامل مطالب ضروری مربوط به اصول و فروع دین از دیدگاه علما و فقهای اهل سنت و احکام ویژه این مذهب است. مطالب این کتاب، به جای بخش‌های اختصاصی (امامت) کتاب دین و زندگی (۲)، به دانش‌آموزان اهل سنت تدریس می‌شود. در کشور اسلامی ما گروهی از دانش‌آموزان اهل سنت در احکام و فروع دین پیرو مذهب امام ابوحنیفه و گروهی دیگر پیرو مذهب امام شافعی هستند؛ از این رو، در کتاب درسی در موارد اختلاف، احکام بر مبنای نظرات فقهای هر دو مذهب بیان شده است. در اینجا نکته قابل توجه این است که اختلاف نظر مجتهدان و ائمه مذاهب در مسائل فرعی و احکام، هرگز نباید موجب تفرقه میان مسلمانان و جدایی آنها شود. اختلاف نظر علمی و بحث‌های بدون تعصب و تنگ‌نظری برای روشن شدن حقیقت، نیکو و پسندیده است. علما و روشنگران دینی باید بدون توجه به وسوسه‌های دشمنان اسلام و سخنان متعصبان جاهل، با وسعت دید و سعه صدر به قرآن مراجعه، و درگیری‌های خود را با توجه به قرآن و سنت رسول الله ﷺ حل کنند.

توجه :

- ۱- دروس این کتاب فقط جایگزین بخش امامت کتاب دین و زندگی (۲) تمامی رشته‌های پایه یازدهم می‌باشد و سایر قسمت‌های کتاب اصلی بین دانش‌آموزان اهل تشیع و اهل سنت مشترک است.
- ۲- دروس پنجم و هفتم مختص علوم انسانی است و برای سایر رشته‌ها حذف می‌باشد.
- ۳- در ارزشیابی مستمر این کتاب همانند کتاب اصلی دین و زندگی (۲) پایه یازدهم عمل شود.
- ۴- احادیث و آیاتی که دارای علامت * می‌باشد باید توسط دانش‌آموز حفظ شود.
- ۵- قسمت‌های «بیشتر بدانیم»، «پیشنهاد»، «دانش تکمیلی»، «نمونه‌یابی»، «تکمیل کردن»، «بررسی»، «درس‌آموزی» و «پاسخ به سؤالات شما»، فقط برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان می‌باشد و در امتحانات مستمر و پایانی نباید از آن سؤال طرح شود.
- ۶- آیات ابتدایی درس برای قرائت در کلاس است و به صورت شفاهی پرسیده می‌شود و نباید هیچ‌گونه سؤالی در امتحانات کتبی، از این قسمت طراحی شود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّهِمْ نَارًا كَمَا نَصَّجَتْ
 جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ إِنَّ
 اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ
 النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا
 بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ
 وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ
 كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾
 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ
 إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى
 الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ
 يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾



درس اول

خلافت و حکومت اسلامی پس از رسول خدا ﷺ



نگاهی همراه با وداع

انس ابن مالک رضی الله عنه می گوید :

روز چهارم بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نماز جماعت صبح به امامت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برپا گردید؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرده آن در را که از منزلشان به مسجد باز می شد، کنار زد؛ به صفوف نمازگزاران نگاه کرد و با تبسمی شیرین پرده را انداخت. سپس به مسجد آمد و به ابوبکر صدیق اقتدا کرد. این آخرین باری بود که مسلمانان، رسول الله را در مسجد دیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز صف نمازگزاران را دید؛ گویی با نگاه پرمهرش با مسلمانان خداحافظی می کرد. پس از این دیدار، آن بزرگوار در آخرین لحظات عمرش از شدت تب چهره مبارکش را با آب خیس می کرد و می فرمود: «لا اله الا الله، به راستی مرگ را سختی هایی است». سرانجام، روح مبارک پیامبر مهربانی ها از بدنشان خارج شد و ایشان در چاشتگاه روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری وفات یافت. وقتی خبر وفات پیامبر رحمت منتشر شد، در همان ساعات اولیه مردم در مورد انتخاب جانشین او شروع به رایزنی و مشاوره کردند. بی شک، اولویت دادن به انتخاب جانشین برای رهبری جامعه

مسلمین قبل از خاک‌سپاری پیامبر مهر و عدالت، گامی بزرگ و مهم و اقدامی پیشرفته بود که اهمیت حکومت اسلامی و وجود حاکم برای اداره امور مردم را در قالب رأی جمعی صحابه نشان می‌داد و بر این نکته تأکید داشت که جامعه نباید لحظه‌ای از حاکم و حکومت خالی باشد؛ چون بنا به فرموده خداوند در قرآن کریم، اطاعت از حاکم اسلامی لازم و ضروری است.^۱

<p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید، و از پیامبر پیروی کرده و صاحبان امرتان را [که از خود شما هستند] اطاعت نمایید و اگر در چیزی اختلاف کنید آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [یعنی به قرآن و سنت مراجعه کنید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این [کار] برای شما بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد. آیا اندیشه و نگاه نکرده‌ای به کسانی که گمان می‌کنند به آنچه بر تو نازل شده و همچنین به آنچه پیش از تو نازل گشته ایمان دارند؟ اینها در عین این گمان می‌خواهند داوری اختلاف‌هایشان را به سرکشان عرضه کنند؛ در حالی که به آنها امر شده که طاعت را انکار کنند و این در حالی است که شیطان می‌خواهد آنها را به گمراهی دور و درازی بکشاند.</p>	<p>«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يُتَّحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»^۲</p>
---	--

۱- خلفاء الراشدين من الخلافة الى الشهادة، اثر صلاح عبدالفتاح الخالدي و همچنین از کتاب‌های منبع به صحیح بخاری ۲۵۶، ۴۴۴۹ و ۴۴۵۰ مراجعه شود.

۲- «اولی» جمع ذو، ذی، یعنی صاحب؛ «امر» به معنی کار، پس «أُولِي الْأَمْرِ» یعنی صاحبان کار مسلمانان، کسانی که امورات مسلمانان را به عهده دارند. در عقیده علمای اسلامی به کسانی که توان رفق و فتق یعنی بستن و باز کردن و حل و فصل امورات مسلمانان را دارند اولی الامر می‌گویند. اولی الامر از دیدگاه اهل سنت دو جنبه است: یکی جنبه علمی که می‌شود عالمان و دیگری جنبه اقتداری و حکومت که می‌شود حکام؛ گاهی عالم و حاکم یکی است. البته کسانی که خداوند امر کرده‌است از آنها اطاعت کنیم با این ضابطه است که امر و نهی آنها خارج از تعالیم کتاب و سنت نباشد بلکه در راستای کتاب و سنت باشد.

۳- سورة نساء، آیات ۵۹ و ۶۰

- در آیات ۵۹ و ۶۰ سوره نساء تدبیر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.
- ۱- با توجه به آیه ۵۹ چرا بعد از نام خدا و پیامبر ﷺ، نام اُولی الامر ذکر شده است؟
 - ۲- با تدبیر در دو آیه مورد نظر، بنویسید کدام واژگان آنها به مسئله خلافت اشاره دارد.

گاهی سؤال می‌شود که آیا پس از رسول خدا ﷺ نیازی به حکومت اسلامی هست و آیا بدون وجود حکومت، احکام خداوند اجرا می‌شود؟

با توجه به این امر مهم که دین در پی تأمین سعادت فرد و جامعه برای تمام عمر بشریت در این کره خاکی است و نظر به اینکه مقاصد و اهداف شریعت با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، می‌توان مهم‌ترین دلایل تشکیل حکومت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ را این‌گونه خلاصه کرد:

۱- اجرای احکام الهی و تحقق اهداف والای اسلام در چارچوب قانون

رسول الله ﷺ حکومت اسلامی را تشکیل داد تا در سایه حکومتی مشروع به اهداف دین خدا جنبه عملی دهد و آنها را از حالت آرزو و فکر به مرحله عمل و اجرا در آورد. روشن است که بعد از ایشان هم احکام الهی باید اجرا شوند تا جاودانگی این راه پاک به شکل عملی تحقق پذیرد.

امروزه در غرب آزادی‌هایی به نام آزادی فردی چنان مقبولیت یافته‌اند که امنیت اجتماعی به خطر افتاده است. احکام فردی می‌تواند شامل چنین مواردی شود؛ مثلاً مستی، در ابتدا می‌تواند فقط حکمی فردی به حساب آید اما وقتی عریده‌کشی و بسیاری پیامدهای ناخوشایند دیگر دارد، از حالت حکم فردی خارج می‌شود. اعتیاد به مواد مخدر و اقدام به خودکشی یا خودآزاری هم می‌توانند از مصادیق و موارد احکام فردی باشند. در اسلام این‌گونه مسائل حتی در صورت فردی، روا نیستند و در صورت ارتباط با حقوق دیگران، بیشتر منع می‌شوند.

می‌دانیم که دین اسلام مجموعه‌ای از احکام فردی و اجتماعی را در خود دارد و این احکام (به خصوص نوع اجتماعی آنها) بدون وجود حکومت، امکان اجرا ندارد. پرداخت زکات، رسیدن به حقوق خانوادگی و مالی مردم و نیز جلوگیری از جرم و جنایت و مجازات متجاوزان به حقوق انسان‌ها و برخورد صحیح با دزدان و اختلاسگران و... همه و همه به اقتدار نیاز دارد. برقراری این اقتدار برعهده حکومت است. حکومت اسلامی در صورت همدلی و همراهی اقشار مختلف جامعه با محتوا

و ساختار مطلوبش، بهتر می‌تواند این نیازهای انسانی را برطرف کند و تحقق این امر بدون همکاری و همدلی مردم امکان‌پذیر نیست.

همچنین اهداف والای اسلام، مثل عدالت و ترویج خیر و خوبی و جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی به قانون نیازمند است. از طرف دیگر، قانون هم ادله و پشتوانهٔ موجهی می‌خواهد و همهٔ اینها به تکیه‌گاه محکمی نیاز دارد. این تکیه‌گاه محکم همان خلافت اسلامی است که با شورا و نظارت مردمی، دین خدا را به گونه‌ای مطلوب اجرا می‌کند.

۲- خوشبختی و خشنودی همگان

حکومت دینی پیامبر اسلام ﷺ یک ویژگی دارد که با آن می‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی را بهتر از سایر حکومت‌ها اصلاح کند و اوضاع را سر و سامان دهد. این ویژگی، تلاش برای تطبیق و اجرای دین است. خداوند رحمتی عمومی نسبت به تمام بندگان دارد و همه را به خیر و صلاح و سعادت دعوت می‌کند. مثلاً در زمان پیامبر گروهی این دعوت عمومی را می‌پذیرفتند و گروهی پذیرای آن نمی‌شدند، اما منتقدان و مخالفان دین هم می‌دیدند که حقوقشان به بهترین وجه داده می‌شود. بنابراین، معتقدان با جان و دل و از سر ایمان حکومت را تقویت می‌کردند و غیر معتقدان هم با دیدن عدالت همگانی و سعادت جمعی، مجذوب حکومت اسلامی می‌شدند.

بیشتر بدانیم

عدالت یکی از نیازهای انسان است و انسان‌ها با تمام وجود به وسیلهٔ عدالت آرامش می‌یابند و در سایهٔ آن به آسایش می‌رسند. انسان‌هایی که درونی سالم و فکری پاک دارند، نه تنها اجرای عدالت را در حق خودشان دوست دارند بلکه عملی شدن آن را در حق دیگران نیز ضروری می‌دانند اما افرادی که اخلاق پسندیده ندارند، ممکن است در هر فرصتی برای جلب منافع شخصی، حقوق دیگران را ضایع کنند. آخرین دورهٔ حضور رسولان الهی (دورهٔ ۲۳ ساله رسالت پیامبر) به علت وجود شخص پیامبر و صحابهٔ بزرگوارش، زمان اوج عدالت‌خواهی و دادپروری انسان بوده است. قطعاً این به آن معنا نیست که با مرگ پیامبر و صحابه‌اش انسان به سعادت و عدالت نیاز ندارد. پایبندی به قوانین عادلانه نیاز همیشگی بشر است و قدرت و اقتدار لازمهٔ پایبندی به عدل و داد است. البته صرف اعتقاد به عدالت کارساز نیست بلکه این مجریان عدالت‌اند که از آن دفاع می‌کنند و آن را به اجرا در می‌آورند و اینجاست که وجود حکومت اسلامی الزامی می‌نماید.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در جهان امروز

امروزه حکومت‌ها بر مردم تأثیرات عمده‌ای دارند. حکومت‌های لائیک^۱ مردم را از نیازهای ایمانی و روحی انسان دور می‌کنند و حکومت‌های سرمایه‌داری برای جلب بیشتر سرمایه و پول‌گامی مرزهای اخلاقی را زیرپا می‌گذارند و با بی‌توجهی به انسانیت و اخلاق و دین، عملاً جنبه روحی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارند. ممکن است گفته شود که بسیاری از حکومت‌های لائیک و یا سرمایه‌دار در رفع نیازهای مادی مردم موفق‌اند. ما منکر این واقعیت نیستیم اما سخن این است که انسان مانند نمایشگاهی بسیار بزرگ است که بخش جسمی و مادی قسمت ورودی این نمایشگاه بزرگ است، (بنابراین باید رفاه مادی تأمین شود) اما بخش مهم نمایشگاه وجودی انسان، فهم گسترده او از خود و هستی و درک ایمان، عبادت و عرفان است. بنابراین، حکومت اسلامی باید ضمن تأمین رفاه مردم، زمینه شکوفایی بُعد روحانی و معنوی آنان را فراهم کند و آنچه را مربوط به حکومت‌هاست، سروسامان دهد و از آنها حمایت نماید. علاوه بر این، امروزه مسلمانان در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی چون استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و نظام‌های سیاسی آنها، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، پیوند اعضا و ده‌ها مسئله نوظهور دیگر روبه‌رو هستند. رهبران حکومت اسلامی باید بر مبنای اسلام و با مراجعه به قرآن و سنت، این مسائل جدید را حل و فصل کنند؛ به گونه‌ای که برطرف‌کننده نیازهای جدید همه طبقات مختلف انسانی باشند.

بیشتر بدانیم

باید دانست که برخی از مسائلی که امروزه با آن مواجهیم به گونه‌ای با اعتقادات دینی در ارتباط است و نباید آنها را فقط امری علمی تلقی کرد. از جمله این مسائل می‌توان به قضیه پیوند اعضا اشاره کرد. حکم فقهی پیوند اعضا:

شاید کم نباشند افرادی که پیوند اعضای فرد میت را به انسان زنده‌ای که نیازمند است، ناروا می‌دانند. حتی افراد زیادی هم هستند که پیوند اعضای فرد زنده را هم درست نمی‌دانند اما این امر پس از آنکه مجتهدان آن را مورد بررسی فقهی قرار داده‌اند، پذیرفته شده است.^۲ فقها در این مورد این‌گونه استدلال کرده‌اند:

۱- قرآن در سوره مائده کشتن ناحق یک انسان را به مثابه کشتن کل انسان‌ها می‌داند و در مقابل، زنده کردن یک انسان را زنده کردن تمام انسان‌ها می‌داند.^۳

۱- حکومت لائیک حکومتی است که معمولاً در مقابل حکومت دینی مطرح می‌شود. در این‌گونه حکومت‌ها مقوله‌ای به نام دین و افراد روحانی جایگاهی ندارند.

۲- البته به شرط اینکه میت خود قبلاً به این کار اجازه داده باشد یا در موارد ضروری خانواده‌اش رضایت خود را اعلام کنند.

۳- سوره مائده، آیه ۳۲: ... وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...؛ و هرکس موجب زنده شدن کسی گردد، گویی تمام مردم را زنده کرده است.

۲- بنای اسلام رفع سختی از زندگی انسان‌ها (به روش صحیح و شرعی) است (فقها این هدف والای دینی را رفع حرج می‌نامند).

در صورت ممنوع دانستن پیوند اعضا، حرج و سختی را در زندگی انسان‌ها روا دانسته‌ایم و این با اهداف و مقاصد شریعت سازگار نیست.

۳- در نهایت، فقها براساس قاعده اضطرار^۱، پیوند عضو از مرده به زنده یا زنده به زنده را روا و جایز دانسته‌اند.

پاسخ به سؤالات شما

استفاده ما از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت چه حکمی دارد؟
بنا به نظر علمای معاصر، هر چه که در دنیای واقعی حرام است در دنیای مجازی نیز حرام است و استفاده و دیدن هر چه که در دنیای واقعی حلال است، در دنیای مجازی نیز حلال است.^۲

دانش تکمیلی

با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که برای حکومت اسلامی لازم است، مشخص نمایید.

اندیشه و تحقیق

۱- در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره «اولوالأمر» به دست می‌آورید، استخراج کنید.

۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر را استدلال کرد؟

۱- قاعده اضطرار یکی از قواعد مهم فقه اسلامی است. اصل قاعده این گونه است: «الضرورات تبيح المحظورات؛ یعنی ضرورت‌ها و تنگناها امور نهی شده را روا می‌کنند. این قاعده از چند آیه و حدیث گرفته شده و خلاصه آن این است که گاهی نیاز و ضرورتی حیاتی یا مهم موجب می‌شود کاری که در شرایط عادی ممنوع است، روا گردد. خوردن گوشت حرام توسط فرد گرسنه‌ای که نزدیک به مرگ است، یکی از مصادیق این قاعده می‌باشد.

۲- به قول فقهای معاصر، كُلُّ مَا لَظَرَ عَلَيْهِ فِي الْوَاقِعِ حَرَامٌ فَالْتَظَرُ إِلَيْهِ عَلَى شَأْنِهِ التَّلَافُزِ وَمَا شَابَهَا حَرَامٌ وَبِالْعَكْسِ.

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنْ يَشَاءُ يُسَكِّنِ الرِّيحَ
 فَيُظِلِّلْنَ رَوَاكِدَ عَلٰى ظَهْرِهِ ؕ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
 ﴿٣٣﴾ أَوْ يُوقِعُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ
 يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَا أَوْتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
 يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبْرَ الْأِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا
 غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا
 أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ
 عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنْ
 أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾

در درس گذشته شما را با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا کردیم. در این درس می‌خواهیم چگونگی انتخاب خلیفه پس از پیامبر خدا را مورد بررسی قرار دهیم.

خدای علیم و حکیم به پیامبر داناترین امر کرد که با یاران مخلص و وفادار خود مشورت کند. این نشان می‌دهد که دین دوست داشتنی ما با مشورت و توجه به رأی و فکر افراد عجین شده است؛ چون یکی از نعمت‌های با ارزش خداوند، نعمت عقل است و عقل چراغ راه مؤمن است. مؤمن با این چراغ فروزان در مسیر زندگی پاک خود پیش می‌رود و با اخلاص و مداومت در آن به انتهای راه (بهشت) می‌رسد.

شورا و جایگاه آن

شورا بر وزن فعلی، از ریشه شور، در لغت به دو معنا آمده است؛ اول یعنی کالا و متاعی که آشکار است و دوم به معنای برداشت عسل از کندو و محل آن، و در اصطلاح، کاری جمعی است که در آن اعضا در فکر انتخاب و برداشت نظر بهتر هستند؛ نظری که اکثریت، بر بهتر بودن آن اتفاق نظر دارند. استفاده از شورا، تصمیم را بی عیب و نقص می‌کند و مانع اعمال نظرات فردی می‌شود. شورا نوعی مشارکت جمعی است که در آن افراد صاحب نظر و خیرخواه با دقت و اخلاص در پی تصمیم‌گیری صحیح و انتخاب رأی برتر برای رفع نیازها و البته حل مشکلات هستند.

مشورت، ادراک و هشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

گفت پیغمبر بکن ای رایزن مشورت، کالمستشار مؤتمن^۱

قرآن کریم بر اصل شورا تأکید کرده است و خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ [پیامبر] پس به واسطه رحمت الهی بود که با آنها [صحابه و سایر

مخاطبان] نرم خوش‌شدی

و اگر درشت‌خوی سخت دل بودی،

دیگران از اطرافت پراکنده می‌شدند.

بنابراین، [اکنون هم] آنان را ببخش

و برایشان آموزش طلب کن

و در کارها با آنها مشورت کن

و وقتی هم که تصمیم می‌گیری، بر خدا توکل کن.

چون قطعاً خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد.

وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ

فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ

وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ^۲

تدبر در قرآن

۱- در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران بیندیشید و نکاتی را که درباره رابطه حاکم اسلامی با مردم

است، استخراج کنید.

۲- حکمت امر کردن پیامبر به پرداختن به شورا و مشورت را بیان کنید.

۱- المستشار مؤتمن: حدیث نبوی است، یعنی هر که را مورد مشورت قرار می‌دهند، به او اعتماد می‌کنند. دو بیت بالا در مثنوی معنوی

دفتر اول ذکر شد و حدیث «المستشار مؤتمن» در سنن الترمذی، سنن ابن ماجه و سنن دارمی و مسند امام احمد آمده و صحیح است.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

البته آنجا که نص صریح قرآن یا حدیث وجود دارد، مشورت لازم نیست؛ مگر اینکه در کیفیت اجرا به مشورت نیاز باشد. برای مثال، انفاق در راه خدا با نصوص قرآنی ثابت است اما کیفیت انفاق می‌تواند با توجه به زمان و مکان و افراد تغییر کند؛ چنین است نظرخواهی پیامبر در موضوع کیفیت برخورد با مشرکان در جنگ احزاب و پذیرش مشورت سلمان فارسی رضی الله عنه در حفر خندق.^۱

یکی از سوره‌های قرآن کریم «شوری» نام دارد. در این سوره، بعد از بیان چند ویژگی مؤمنان و مجاهدان و خصوصیات قلبی و عملی آنها، به امر شورا تصریح شده است. ذکر شورا به عنوان یکی از صفات اصلی جامعه اسلامی (یعنی اقامه نماز و ادای زکات) و همچنین آمدن کلمه «امر» به صورت مطلق نیز در آیه زیر قابل توجه است.

* وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ
وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ^۲

و (مؤمنان) کسانی هستند که به (ندای) پروردگارشان پاسخ (مثبت) می‌دهند
و نماز بر پا می‌کنند
و کارشان در میانشان (بر اساس) مشورت است
و از آنچه که به آنها روزی داده‌ایم، پیوسته انفاق می‌کنند.

تدبّر در قرآن

با تدبّر در آیه ۳۸ سوره شوری، بگویید چرا مشورت کردن میان دو واجب «نماز» و «انفاق»^۳ ذکر شده است؟

توجه کنید که شورا، اصلی ثابت و تغییرناپذیر است اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می‌شود و تنها کاردانان و اهل بصیرت مجازند که کیفیت آن را تغییر دهند.

۱- حدیث مشهور (مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ شَيْئًا حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقِصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْءٌ). که امام مسلم آن را روایت می‌کند، مستند علمای اسلامی برای اثبات این موضوع است (صحیح مسلم ۱۰۱۷؛ این حدیث را در کتاب‌های سنن ابن ماجه، النسائی، سنن الترمذی، سنن الدارمی و مستند امام احمد هم می‌یابیم، ضمناً این حدیث صحیح است).

۲- سوره شوری، آیه ۳۸

۳- همچنین توجه به این نکته لازم است که در آیات ۳۹-۳۶ شوری چند ویژگی از ویژگی‌های مؤمنان ذکر شده است اما در اینجا یعنی

آیه ۳۸ از چهار ویژگی پذیرش دین خدا، اقامه نماز، شورایی بودن کارها و انفاق نام برده شده است.

۴- توجه کنید که انفاق لفظی عام و کلی است و انفاق واجب و مستحب را شامل می‌شود. انفاق واجب همان زکات مال و زکات بدن (فطر)

و کفاره‌های مالی است و انفاق سنت یا مستحب، سایر بخشش‌هایی است که مؤمن به مستحقان روا می‌دارد.

عضویت در شورا

عموم مؤمنان و مسلمانان حق عضویت در شورا را دارند و بر همین اساس و در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می‌گیرند، اما چون اجتماع و نظرخواهی همه مردم همواره ممکن نیست، از گذشته روش‌های مختلفی برای شورا به کار گرفته شده است و طبعاً هنوز هم به کار می‌رود. مثلاً مردم افرادی را که در میان آنان به صداقت، امانت‌داری و تقوا و علم مشهورند، به عنوان نماینده انتخاب می‌کنند تا در مسائل خاص اظهارنظر و تصمیم‌گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب‌هایی، آگاهی و آزادی انتخاب‌کنندگان است تا بدون اغفال و سوء استفاده افراد ناباب و در آزادی کامل، فرد مناسب و مورد نظر خود را انتخاب کنند.

نمونه‌یابی

امروزه نمونه‌های مختلفی از شورا را در شهر و حتی محیط آموزشی می‌بینیم. چند مورد از آنها را نام ببرید و توضیح دهید که در هر کدام درباره چه مسائلی مشورت می‌شود.

بنا بر آنچه گذشت، حکومت پس از رسول خدا ﷺ به شکل خلافت و شورایی ادامه پیدا کرد. اینجا به شرح خلافت و چگونگی انتخاب و ادامه آن می‌پردازیم. خلفای راشدین برگزیدگانی از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ بوده‌اند که با تکیه بر نظام شورایی خلافت، نظامی عادل و شریف را به امت اسلامی و بلکه به جهانیان تقدیم کرده‌اند.

خلافت

خلافت به معنای جانشینی است. کسی که پس از رسول الله ﷺ عهده‌دار حکومت اسلامی می‌شود خلیفه نام دارد؛ چون ادامه‌دهنده راه رسول الله ﷺ است و پس از آن بزرگوار، اجرای دین و احکام الهی را در جامعه بر عهده دارد. نظام مبتنی بر شورا (که در صدر آن خلیفه قرار دارد) خلافت نامیده می‌شود. براساس حکم قرآن و سنت، پیروی از خلیفه و اطاعت از صاحبان امر خلافت، واجب است؛ البته در صورتی که حکم خلیفه و نظام خلافت اسلامی براساس قرآن و سنت باشد. توجه به این نکته لازم است که خلیفه خود یکی از اعضای شورای خلافت است و عنوان خلیفه نباید دستاویزی برای خودمحموری او شود.

راه انتخاب خلیفه

بنابر دیدگاه اهل سنت، بعد از رحلت پیامبر ﷺ مهاجرین و انصار بنابر تکلیف دینی، سرپرستی امت اسلامی را برعهده گرفتند. آن بزرگواران طبق آیه (وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ) و نیز بنابر سنت نبوی که در کیفیت انجام امور مشورت می‌کردند شورایی تشکیل دادند. بعد از شور و بررسی سرانجام اولین خلیفه یعنی ابوبکر صدیق رضی الله عنه را به عنوان خلیفه برگزیدند و سایر مسلمانان نیز با منتخب شورای مهاجرین و انصار بیعت کردند.^۱ با توجه به توصیف قرآن از جامعه ایمانی، شاخصه اصلی حکومت اسلامی شورایی بودن آن است. به همین سبب، محور تعیین اولوالأمر، شورا است اما کیفیت شورا (همان‌گونه که گذشت) بنا به شرایط و حالات، متفاوت است و تغییر می‌کند.

مهم‌ترین شرایط لازم برای خلیفه

چون خلافت با دین خدا و سرنوشت مردم ارتباط اساسی و تنگاتنگ دارد، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. مهم‌ترین شرایط لازم برای خلیفه شدن، موارد زیر است:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد؛ چون غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت پیدا کند. این شرط نباید ستم به غیرمسلمانان تلقی شود؛ چون همان‌گونه که گفتیم، حق کامل این افراد در تمام زوایای زندگی محفوظ است و آنچه مانع خلیفه شدن آنهاست، بنای اسلامی خلافت است که باید توسط شخص مسلمان اداره شود.

۲- خلیفه باید عالم به دین باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع اسلامی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می‌شود، با مراجعه به کتاب و سنت به دست آورد.^۲ البته این شرط به آن معنا نیست که همه اجتهادات توسط خود شخص خلیفه صورت می‌گیرد.

این مهم از آیه ۸۳ سوره نساء فهم می‌شود:

«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَا فَضْلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَا تَبْعُثُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»^۳

«و هنگامی که خبری از موجبات ترس و نترسیدن به آنها می‌رسد، [بدون تحقیق] آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان و فرمانده‌هایشان (که قدرت تشخیص کافی دارند) باز گردانند، کسانی که اهل استنباط و فهم مسائل هستند، (چاره آن مشکلات را) می‌فهمند و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، (جز عده کمی) همگی از شیطان پیروی می‌کردید [و گمراه می‌شدید]».

۱- اتمام الوفاء فی سیره الخلفاء: محمد الخضری. نشر دارالفکر بی‌تا.

۲- باز هم توجه کنیم که این ویژگی بی‌حرمتی به غیرعلمایست؛ چون لازمه ساختار خلافت و کنترل آن علم و آگاهی است.

۳- سوره نساء، آیه ۸۳

در این آیه، خداوند از افرادی که اخبار مختلف را بدون صلاح‌دید پیامبر ﷺ و آگاهان امت و طبعاً بدون ملاحظهٔ مصلحت پخش می‌کنند، انتقاد می‌کند و پرداختن به چنین موضوعاتی را به مطرح کردن آنها در محضر پیامبر ﷺ و صاحب نظرانی موکول می‌نماید که می‌توانند مطالب را از قرآن استنباط کنند.

۳- خلیفه باید متقی و به خصوص عادل باشد و بر اساس عدالت بر مردم حکومت کند؛ طوری که از اقتدارش سوءاستفاده نکند و از تبعیض و ستم دوری نماید. او باید با ظلم در تمام اشکال قومی، طبقاتی و مذهبی مبارزه کند؛ زیرا همانند تمام حکومت‌ها، در گسترهٔ حکومت اسلامی ترکیبی از مردمانی زندگی می‌کنند که دارای قومیت‌ها، مذاهب و مشاغل متفاوت‌اند. در ضمن، افراد پیر و ناتوانی هم وجود دارند که قادر به کسب درآمد نیستند و نمی‌توانند نیاز معیشتی خود را برطرف کنند. وجود این طبقات، به‌ویژه طبقهٔ اخیر، نیاز به تقوا و عدالت را در خلیفه لازم و ضروری می‌نماید.^۱

اهداف خلافت اسلامی

خلافت اسلامی، به عنوان حکومتی پاک و نمونه، در پی رسیدن به اهدافی والاست. در اینجا به دو هدف از این اهداف والا اشاره می‌کنیم:

- ۱- تبیین، تبلیغ و پیاده کردن صحیح دین
- ۲- برقراری نظم اجتماعی و ایجاد رفاه عمومی^۲

سه راهکار مهم برای رسیدن به اهداف خلافت اسلامی

نظام خلافت برای تحقق اهداف والای خود باید با استفاده از راهکارهای شرعی و مردمی، اقدامات زیر را انجام دهد:

- ۱- با مردم (به خصوص اهل نظر و علم و دانش) مشورت کند و از نظرات آنها بهره‌بردار
- ۲- مردمی باشد و مانند آنان زندگی کند
- ۳- بر کارگزاران^۳ حکومتی و عملکرد آنها نظارت کند^۴

۱- گرچه در اصطلاح اهل علم به کسی هم که از گناهان کبیره دوری می‌کند و به فضایل اخلاقی آراسته و مقبولیت تقوایی دارد عادل می‌گویند.

۲- البته روش عملی حکومت خلفای راشدین نشان می‌داد که آن بزرگواران تمام هم‌نشان مصروف این بود که ابتدا تمامی آحاد مردم را از فقر نجات دهند و برای همگان رفاه عمومی را فراهم کنند و سپس دین را در زندگی فردی و اجتماعی مردم احیا نمایند.

۳- کارگزاران همان مدیران و مسئولان جامعه‌اند که قوای قانون‌گذاری و اجرایی قضایی را تشکیل می‌دهند.

۴- محاکمهٔ پسر کارگزار مصر در زمان امیرالمؤمنین عمر و قصاص گرفتن از او یکی از زیباترین مصادیق این بند است.

نقش مردم در حکومت اسلامی

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است؛ لذا هرگاه مردم به توحید و نبوت رسول الله ﷺ ایمان بیاورند، خود به خود جامعه اسلامی تشکیل می‌شود و تشکیل جامعه اسلامی مقدمه تشکیل خلافت اسلامی است. به همین جهت، لازمه اقتدار حاکم اسلامی مقبولیت از جانب مردم است. در این صورت، خلیفه می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف ایمانی به فعالیت و کار و تلاش، تشویق کند. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند کرد. بنابراین، باید همواره رابطه‌ای عاطفی میان حاکم جامعه اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم، حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند.^۱

تعامل حکومت اسلامی با دیگر حکومت‌ها

حکومت اسلامی رابطه خود را با سایر حکومت‌ها بر اساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. بر این اساس، با کشورهایی که روابط عادلانه متقابل را رعایت کنند، رابطه حسنه و مسالمت آمیز برقرار می‌کند و در مقابل، در برابر کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز نمایند، محکم و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند و به هیچ حکومتی اجازه نفوذ و دخالت در چارچوب حکومت اسلامی را نمی‌دهد.

بیشتر بدانیم

رابطه متقابل مردم با خلیفه مسلمانان

نظام اسلامی همان‌طور که بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد. و مردم باید برای دوام و رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی تلاش کنند. آنان حتی وظیفه دارند به خلیفه و کارگزاران او نصیحت کنند و با تذکرات خود، آنها را در مسئولیت‌هایشان یاری دهند و مشاورانی دلسوز برای آنان باشند. خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه مردم مهربان باشد، راه استبداد را در پیش نگیرد، با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. خلیفه باید عدل را، که مهم‌ترین وظیفه حکومت است، در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر اساس عدل و داد حاکمیت کند.

۱- سعدی شیرین سخن در این باره می‌گوید :

درخت، ای پسر، باشد از بیخ سخت
وگر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش

رعیت جو بیخ‌اند و سلطان درخت
مکن تا توانی دل خلق ریش

باید رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید، پاسدار رفاه ویژه برای طبقات محروم و مستضعف جامعه باشد، به وضع آنها رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی او به امور مردم نشود. به علاوه، در مقابل مردم مستضعف متواضع و فروتن باشد و آنها را نزدیک ترین طبقات به خود بداند، در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ کس واقع نشود و دین خدا را با شجاعت، در جامعه اجرا کند. البته رسیدگی به امور فقرا نباید موجب آن شود که خلیفه نسبت به سایر طبقات مردم بی اعتنا باشد و یا در حق آنان ستم کند.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- تأثیرات شورا را در موفقیت حکومت اسلامی توضیح دهید.
- ۲- رابطه حکومت اسلامی در برخورد با سایر حکومت‌ها بر چه اساسی است؟
- ۳- با تأمل در اهداف خلافت و حکومت اسلامی، بیان کنید که خلیفه و حاکم اسلامی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۱- یکی از نمونه‌های زرین برخورد زیبای حاکمان اسلامی با توده مردم، به ویژه مردم فقیر، ماجرای مشهور ابتدای خلافت امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه است. در تواریخ آمده است که ایشان برای مردم صحبت می‌کردند. در ابتدای سخنانشان فرمودند: «ای مردم، اگر از من کزی و انحرافی از راه درست دیدید به من گوشزد کنید». ناگهان مردی اعرابی از میان مردم برخاست و شمشیر کشید و گفت: «به خدا قسم ای عمر، اگر از راه صواب و حق کناره بگیری، با این شمشیر کجم تو را راست خواهم کرد.» مردم سکوت کردند و منتظر عکس العمل خشم‌آلود خلیفه بودند، امیرالمؤمنین عمر با تواضع فراوان فرمود: «الحمد لله الذی جعل فی امة محمد من یتستقیم اعوجاج عمر بسیفه...»؛ سپاس خدایی راست که در امت محمد کسی را قرار داده است که کزی عمر را با شمشیرش راست می‌کند.

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ
الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ
وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ
ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى
وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
تَرْتَلِبُهُمْ رُكْعًا سُبْحًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثْرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ
فِي الْإِنْجِيلِ كَرِزٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى
عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾



درس سوم

خُلَفای راشدین



در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن خلافت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا شدید و آموختید که حکومت اسلامی و رهبری آن، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم شما را با خلفا و جانشینان رسول خدا ﷺ که پس از وی به شکل شورایی، رهبری جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، بیشتر آشنا کنیم.

واژه «راشده» از کلمه «رشد» گرفته شده است و رشد در اینجا یعنی استقامت در راه حق و هدایت. راشد یعنی کسی که راه حق و درست را محکم و با استقامت می‌پیماید و خلافت راشدین یعنی خلافتی که مبنایش ایستادگی بر حق و عدالت و شوری است. امت اسلامی این واژه را از حدیث زیر گرفته است:

* «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ»^۱؛ به سنت من و سنت خلفای راشدین، تمسک جوید.

مسلمانان به خلفای پنج‌گانه، یعنی ابوبکر، عمر، عثمان، علی و حسن (رضوان الله عليهم اجمعين)، خلفای راشدین می‌گویند. باید بدانید که اگر امروزه در بعضی کتاب‌ها در شمارش خلفا به چهار نفر اول بسنده می‌شود به این سبب است که مدت خلافت حسن بن علی علیه السلام کوتاه بوده و ایشان عملاً مجال خلافت نیافته است؛ بنابراین، خلیفه راشد است اما خلافتی نداشته که در کنار چهار خلیفه دیگر از وی نام برده شود.

تدبیر در حدیث

۱- چرا در حدیث «علیکم بسنتی و...» در کنار پیروی از سنت، روش خلفای راشدین هم ذکر شده است؟

۲- پیامبر رحمت از جانشینان محبوبش با چه تعبیری یاد کرده است؟

اکنون به طور مختصر با زندگی‌های ویژگی‌های خلفای راشدین آشنا می‌شویم:

۱- خلیفه رسول الله ابوبکر صدیق رضی الله عنه

عبدالله بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود که پس از رحلت پیامبر، در یک بیعت پر از عاطفه و احساس ایمانی به خلافت رسید. وی قبل از اسلام در میان مردم به راستگویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار به ایشان لقب صدیق داد. ابوبکر صدیق رضی الله عنه که دوست قدیمی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و رسالتش را تصدیق کرد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود، پدر، پسر و نوه‌اش - محمد بن عبدالرحمن - (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند.

مورخین اسلام می‌نویسند که ابوبکر صدیق رضی الله عنه بعد از بیعت مردم خطبه‌ای به شرح ذیل خواند:

«برادران من اینک خدمت حکومت کردن بر شما به من سپرده شده است. اگر دیدید من وظایف خود را درست انجام می‌دهم یا من همراهی کنید و اگر خطایی از من سرزد تأدیبم کنید»^۲.

۱- حدیث صحیح سنن دارمی، ۹۶، سنن ترمذی، ۲۶۷۶، مسند امام احمد ۱۷۴۲-۱۷۴۴-۱۷۴۵، سنن ابی داود ۴۶۰۷، سنن ابن‌ماجه ۴۳

۲- گوستاولوبون فرانسوی، تمدن اسلام و غرب، ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، ۱۳۱۸ هـ. ش، چاپخانه علمی، ص ۱۷۴

ویژگی های شخصیتی ابوبکر صدیق رضی الله عنه^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ابوبکر صدیق فرمود: کسی که بیشترین خوبی و بخشش را با دوستی و دارایی اش در حقم نمود، ابوبکر صدیق است.^۲

او قلبی بسیار مهربان داشت و از ثروتش برای کمک به فقرا و اسیران استفاده می کرد.^۳ ابوبکر یار غار پیامبر در هجرت پر از رمز و راز او بود. پیامبر به نقل از قرآن، پس از دیدن غم دلسوزانه اش فرمود: غم مخور؛ زیرا قطعاً خداوند با ماست.

در قرآن کریم به این مطلب در آیه ۴۰ سوره توبه تصریح شده است:

«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»؛

«اگر شما پیامبر را یاری نکنید، [بدانید که] خدا [قبلاً] او را یاری کرده [و باز هم یاری می کند]. خداوند او را زمانی یاری کرد که کافران از [مکه] بیرونش کردند. آنگاه که [دونفر بیشتر نبودند] و او دومین نفر بود. هنگامی که به دوست دلسوزش [ابوبکر] گفت: غم مخور؛ قطعاً خداوند با ماست و خداوند آرامشش را بر پیامبر نازل کرد [و ابوبکر هم در پرتو این الطاف آرام گشت].»

ابوبکر رضی الله عنه بسیار متواضع بود. زندگی کاملاً بی آرایش و دور از تکلفی داشت و به خواهش های دنیایی بی اعتنا بود. او در عین تواضع و فروتنی در اجرای احکام و حدود شرعی سخت گیر بود و شجاعانه و بی پروا عمل می کرد. ابوبکر صدیق در اجرای عدالت اجتماعی بسیار جدی بود و هیچ گاه اجازه نمی داد در محضرش از او تعریف کنند و اگر کسی این کار را می کرد، با فروتنی بسیار در مقابل خداوند، گریه کنان، می گفت: «بارالها، مرا بهتر از آن کن که مردم می پندارند و آنچه را آنها در مورد من نمی دانند، پیامرزم و مرا به خاطر سخنانشان در قیامت مورد بازخواست قرار مده.»^۴ او اولین کسی بود که برای رسیدگی هر چه بهتر به حال مستمندان، اجازه نداد زکات از نماز جدا شود. در واقع، او این مهم را از این آموزه قرآن بر گرفته بود: «اقیموا الصلوة واتوا الزکاة». مردم او را می دیدند که با جسم نحیفش سخت کوشانه برای خوشبختی همگان شب و روز کار می کند. در تواریخ معتبر آمده است که ابوبکر حتی پس از رسیدن به خلافت، درماندگان و مردمان مددجو را رها نکرد و به آنها

۱- صدیق یعنی کسی که با زبان و عمل صداقت خود را در پیروی از دین خدا ثابت می کند. در سوره نساء آیه ۶۹، صدیقین به عنوان دومین گروه از بندگانی که خدا معرفیشان کرده است.

عنده ترین دلیل اینکه پیامبر این لقب را به ابوبکر داد، تصدیق های مکرر او از رسالت و وقایع مربوط به آن، به خصوص واقعه معراج بود.

۲- صحیح بخاری ۴۶۶ و مسند احمد ۱۱۸۶۳

۳- صحیح بخاری ۳۶۵۴-۳۹۰۴- صحیح مسلم ۲۳۸۲- مسند احمد ۱۱۱۳۴ و ۱۱۶۳

۴- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد

سرکشی می‌کرد. در میان صحابه و نزدیکان ثروتمند پیامبر ﷺ ام‌المؤمنین خدیجه، امیرالمؤمنین عثمان و دوست باوفای پیامبر عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنهم اجمعین) و... به جود و سخاوت مشهور بودند اما ابوبکر صدیق بود که در بذل مال و دارایی اش در راه دین محمد ﷺ سرآمد همگان بود؛ طوری که بزرگان صحابه همگی به این موضوع معترف بودند و چه بسا یکی از دلایل ماتم همگانی مسلمانان در روز مرگ ابوبکر صدیق توجه مردم به این خصلت والای آن بزرگوار بود. به شهادت تاریخ، مرگ ابوبکر صدیق بعد از رحلت پیامبر ﷺ، غمگین‌ترین تجربه مسلمانان بوده است. او همچون پیشوای پاکش ۶۳ سال زندگی کرد و صحابه با انتخاب وی به عنوان خلیفه رسول الله ﷺ عملاً نشان دادند که به افضلیت او معترف‌اند.

به قول فردوسی خوش سخن :

که خورشید بعد از رسولان مه
تایید بر کس ز بوبکر به

تدبیر در آیه

آیه شریفه ۴۰ سوره توبه بر تشبیت چه واقعه مهمی تصریح کرده است؟ (می‌توانید به تفاسیر اهل سنت مراجعه کنید.)

بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات مهم ابوبکر صدیق رضی الله عنه در دوران خلافت :

- ۱- او به محض رسیدن به خلافت، دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور پس از آن صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب به شهادت رسیدند.
- ۲- سپاه اسامه بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا ﷺ آماده حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز کرد و به آن منطقه اعزام نمود.
- ۳- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.
- ۴- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آنها گرفت. توضیح این مطلب لازم است که زکات یکی از مترقی‌ترین احکام اسلامی است که با ادای آن، رفاه طبقات کم‌توان جسمی و روحی جامعه «خصوصاً» و رفاه عمومی «عموماً» تأمین می‌شود. به گفته ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها، امیرالمؤمنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه در روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا اینکه بعد از غروب روز سه شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت

خودش او را در حجره ام المؤمنین عایشه رضی الله عنہا، در جنب مرقد منور رسول الله به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرد و در ۶۳ سالگی رحلت نمود.

درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی های خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله، ابوبکر صدیق رضی الله عنہ، چه درس هایی می توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم کلاسی هایتان انتخاب کنید و به صورت مقاله ای در کلاس ارائه دهید.

۲- امیر المؤمنین عمر فاروق رضی الله عنہ

امیر المؤمنین نامش عمر رضی الله عنہ و لقبش فاروق بود. فاروق یعنی تمیزدهنده حق از باطل، و به راستی این لقب زینده وجود پاک او بود. عمر فاروق در ۲۷ سالگی مسلمان شد. او می گفت هر کس جاهلیت را تجربه کرده باشد، قدر اسلام را خوب می داند. پیامبر او را فاروق نامید؛ چون مردی وارسته، باهوش و تحلیلگر و با وجود قدرت جسمی، بسیار با عاطفه بود. یک بار که شبانه در مدینه برای تفحص درباره اموال مردم در شهر گردش می کرد، با شنیدن گریه های کودکی، بسیار گریست^۱ و تاریخ، صحنه های زیادی از گریه ها و سایر عواطف انسانی او را گزارش کرده است.

عمر فاروق پیش از اسلام به خاطر نیروی جسمی و قدرت ذکاوتش مقبولیتی عام داشت و اسلام این دو قابلیت را شکوفاتر کرد و به وی حیات طیبه^۲ قرآنی داد. وی بر عدالت اقتصادی و برداشتن فاصله طبقاتی بسیار اصرار می ورزید و برای اینکه نیازمندی در قلمرو خلافتش باقی نماند، حقوق ماهانه را برای همگان مقرر کرد. عمر فاروق پس از ۶۳ سال زندگی پر فراز و نشیب به ابدیت پیوست و با پیوستن به کاروان شهدا، زندگی پر خیرش با شهادت، خاتمه یافت.^۳

فردوسی درباره شجاعت وی در اظهار کردن اسلام می گوید:

عمر کرد اسلام را آشکار بیاراست گیتی چو باغ بهار

۱- ماجرا از این قرار بود که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنہ برای تمام کودکانی که آنها را از شیر بریده بودند، حقوقی از بیت المال مقرر کرده بود و این حقوق به تمامی افراد در همه سطوح سنی تا زمانی که زنده بودند، پرداخت می شد. در این میان، مادر کودکی که می خواست حقوق فرزندش حلال باشد در همان شب تولد کودک تلاش می کرد او را از شیر بگیرد و بچه خودداری و گریه می کرد. وقتی عبدالرحمن بن عوف به دستور امیر المؤمنین با مادر بچه صحبت کرد و مادر ماجرا را برای او تعریف نمود، امیر المؤمنین عمر سخت گریه کرد و گریه کنان گفت: «فردا دستور خواهیم داد که حقوق مقرر دولتی از همان بدو تولد شامل همگان شود».

۲- زندگی پر از ایمان و پاکی و خیرخواهی و خدمت را حیات طیبه می گویند.

۳- مورخان اسلامی امیر المؤمنین عمر را «شهید محراب» لقب داده اند؛ چون در هنگام ادای نماز صبح فردی شقی و بدخواه به نام ابولؤلؤ به ایشان حمله کرد و ضربت زد.

امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه با ذکاوتی که داشت، برای رسیدگی به امور کشوری و اداری برنامه‌های منظم به نام دیوان مقرر کرد. وی همان‌گونه که گفته شد، با مقرر کردن حقوق عمومی برای همگان جامعه اسلامی را از فقر دور کرد. در زمان خلافتش عدالت اجتماعی را چنان رعایت کرد که اعجاب همگان را برانگیخت؛ تا جایی که مورخ بزرگ فرانسوی، گوستاولوبون، در کتاب «تمدن اسلام» تحت تأثیر عملکرد حاکمان مسلمان، به خصوص عمر فاروق رضی الله عنه می‌گوید: «دنیا فاتحانی مهربان‌تر و عادل‌تر از مسلمانان ندیده است. آنها با رفتار خوب و عدالت بی‌نظیر، بهتر و بیشتر از قدرتی که داشتند به اهداف خود و پیروزی حیرت‌انگیزشان رسیدند»^۱.

بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات مهم امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه :

- ۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها؛
- ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب، حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز، اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود؛
- ۳- تأسیس یک سازمان ساده گمرک که وظیفه‌اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود؛
- ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت اسناد و رسیدگی به امور بیت‌المال و درآمد حقوق بگیران؛
- ۵- تحدید و مقرر کردن تاریخ اسلام؛ پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول‌الله از مکه به مدینه تعیین گردید؛
- ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستم‌دیده این دو سرزمین. در فتح بیت‌المقدس عمر فاروق رضی الله عنه با افراد معدودی وارد شهر شده و از اسقف سفرونیوس^۲ درخواست کردند که با هم رفته و مقامات مقدسه را زیارت کنند و همان وقت امر کرد منادی ندا کند که حفظ اموال و معابد این شهر را ما خود دمه‌دار هستیم و حتی مسلمین مجاز نیستند که در کلیساها نماز بخوانند.^۳

درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی‌های امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه، چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید و در کلاس ارائه دهید.

۱- تمدن اسلام و غرب، تألیف دکتر گوستاولوبون فرانسوی، ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپخانه علمی طهران، ۱۳۱۸، صص ۱۵۸ الی ۱۷۰

۲- Sophronius

۳- همان، ص ۱۶۸

۳- امیر المؤمنین عثمان ذی النورین رضی الله عنه

عثمان بن عفان رضی الله عنه سومین خلیفه راشد است که با انتخاب شورایی ویژه تعیین شده است. او هم مانند شیخین (ابوبکر و عمر) رضی الله عنهما از سابقین (پیشتازان) اسلام بود.^۱

صحابه نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله هر کدام به خصلتی مشهور و آراسته بودند و صفت مشهور امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه، حیای او بود. براساس حدیثی که امام بخاری آن را در کتابش آورده، یکی از مهم ترین نکاتی که مردم از پیامبران پیشین خداوند درک کرده اند، اهمیت حیاست.^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله حیا را خصلتی سراسر خیر می دانست و امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در بین جمع پر خیر و با حیای صحابه از این جهت نگینی درخشان بود. او همچنین سخاوت بسیار داشت. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه می گوید: «تمام مردم مدینه، وام دار عثمان ذی النورین رضی الله عنه هستند؛ یک سوم آنها را مهمان می کند، قرض یک سوم را ادا می کند و به یک سوم دیگر کمک می کند. هنوز آثار وقف امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در مدینه مانده است. او کسی است که وقتی یک سال قحطی آمد، گندم های کاروان تجاری خود را میان فقرای مدینه تقسیم کرد».^۳

سرانجام، بدخواهان امت و آشوب طلبان، عثمان سخاوتمند و باحیا را شهید کردند. بی شک صحابه پیامبر با انتخاب عثمان ذی النورین بعد از شیخین، نشان دادند که اهل فهم و ذوق اند؛ چرا که مردی متدین را برای رهبری دنیا و دین خود برگزیدند. فردوسی با ذکاوت در این باره چه خوش سروده است:

که خورشید بعد از رسولانِ مه
تأیید بر کس ز بوبکر به
عمر کرد اسلام را آشکار
بیاراست گیتی چو باغ بهار
پس از هر دوان بود عثمان، گزین
خداوند شرم و خداوندِ دین^۴

با گسترش اسلام در سرزمین های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، ایشان دستور داد که کارگزاران با دقت، نسخه های زیادی از قرآن را که دارای رسم الخط واحد بودند، منتشر کنند و به نقاط مختلف سرزمین های اسلامی بفرستند.

۱- «شیخ» در کاربرد اولیه زبان عربی به پیرمرد و کسی گفته می شود که پنجاه سالگی را پشت سر گذاشته است، اما در ادبیات اسلامی کلمه شیخ به بزرگان اطلاق می شود و در قضیه خلافت، شیخین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما هستند. در بین شافعی مذهب، شیخین به دو امام همام نووی و رافعی گفته می شود و در اصطلاح حنفیه، منظور از شیخین خود امام اعظم (ابوحنیفه) و قاضی ابویوسف رضی الله عنهما است. در علم تفسیر، به امام ابن کثیر و امام طبری شیخین می گویند. در علم حدیث نیز به امام بخاری و امام مسلم شیخین گفته می شود. البته کاربرد اسم شیخین برای ابوبکر و عمر رضی الله عنهما جز به سبب بزرگی و فخامت مقامشان، به جهت نسبتشان با پیامبر صلی الله علیه و آله هم بوده است. در میان صحابه و اقتدار مسلمانان بعد از یاران پیامبر، به عثمان و علی صهترین، می گویند که به معنای، دو داماد است. این لقب از آن جهت به این دو بزرگوار داده شد که هر دو داماد پیامبر بودند.

۲- اصل حدیث را در کتاب پر ارزش اربعین نووی حدیث شماره ۲۰ ببینید.

۳- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد؛ البته در چنین تعابیری خود عدد مورد نظر نیست بلکه منظور از آن، کثرت افراد و مصادیق است.

۴- علت تکرار دو بیت بالا در اینجا، به این سبب است که بیت سوم که در مورد امیر المؤمنین عثمان است، با دو بیت پیشین ارتباط معنایی دارد.

برخی از فضائل امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه

امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه مردی خوش قیافه و زیبا، با شرم و حیای مخصوص بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا دختر خود، «رقیه»، را به عقد عثمان درآورد. اما رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر صلی الله علیه و آله دختر دیگرش، «ام کلثوم»، را به عقد او درآورد؛ به همین سبب به او «عثمان ذی النورین» می‌گفتند. ام کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا فوت کرد. آن حضرت فرمود: «اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم.» ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت شوهرت از همه کس به جدت، ابراهیم خلیل، و پدرت، محمد، شبیه‌تر است.»

او انسانی بسیار مهربان و دارای فضیلت‌های انسانی بود. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه که مردی تاجر همیشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رساند؛ از جمله: پرداخت هزینه‌های ساز و برگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر آن و نیز وقف آن چاه برای مسلمانان و توزیع گندم‌های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در میان فقراى مدینه. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، نامه‌های رسول خدا را می‌نوشت.

درس آموزی

۱- حیا و بخشندگی، دو صفت بارز امیرالمؤمنین عثمان بود. این دو ویژگی در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی چه تأثیرات مهمی را می‌گذارند؟

۴- امیرالمؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه

برای شناخت شخصیت او کافی است بدانید که پیامبر صلی الله علیه و آله برای شجاعتش به او لقب «أَسَدُ اللَّهِ»، برای اعلام رضایت از او به وی لقب «مرتضی» و برای توصیف خاکی بودنش واژه «ابوتراب» را برگزید. علی مرتضی ده سال قبل از بعثت، در مکه معظمه چشم به جهان گشود و از همان کودکی پرورده‌خانه نور و ایمان شد. ده ساله بود که با فهم مردانه‌ای به پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله ایمان آورد. جوانی را در زیر سایه درخت ایمان سپری کرد و نمونه‌ای از علم و ایمان و تقوا شد. او در کنار این ویژگی‌ها، شجاع و سخنور و شوخ طبع بود.

پس از شهادت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، مردم از مهاجر و انصار اجتماع کردند و به علی مرتضی رضی الله عنه پیشنهاد بیعت دادند. آن بزرگوار از پذیرش منصب خلافت سر باز زد اما مسلمانان دست برداشتند و با اصرار و پافشاری با او بیعت کردند. در آن موقع هیچ‌کس با خلافت او مخالفت نکرد. علی مرتضی در

اولین خطبه‌اش (بعد از رسیدن به خلافت)، روش خویش را ترسیم کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را همچون یاران قبلی‌اش هدف خود اعلام نمود.

باز هم دل‌مردگانِ شب‌پرست توانستند چهارمین خلیفه و خورشید تابانِ پروردهٔ وحی را تحمل کنند؛ این بود که در اقدامی بی‌رحمانه، با شهید کردن امیرالمؤمنین علی علیه السلام امت اسلامی را داغدار کردند و به این ترتیب، ابوتراب متواضع در تراب جای گرفت. ضرار، از دوستان علی مرتضی علیه السلام، دربارهٔ ایشان می‌گوید: «شبی تاریک او را تعقیب می‌کردم. به مسجد رفت و در محراب جای گرفت. شنیدم که به شکلی سوزناک دعا می‌کرد و در لابه‌لای دعایش، خطاب به دنیا می‌گفت: ای دنیا، دیگران را فریب بده؛ تو عمرت کوتاه است و فریبت گسترده و زیاد.»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام همان بود که رسول‌الله صلی الله علیه و آله او را در مناسبت‌های مختلف می‌ستود. به قول فردوسی حماسه سرای:

چهارم علی بود، جفتِ بتول که او را به خوبی ستاید رسول

امیرالمؤمنین علی علیه السلام مردی با کمالات متعدد بود، در عین عالم بودن، متواضع، جدی در تقوا و عدالت و در عین حال خوش سخن و اهل طنز ادیبانه، مردمی و خدایی و در همان حال، مانوس با نماز شب بود. وی ضمن بیزار بودن از دنیاطلبی با دنیای مردم آشنایی داشت و خلاصه به قول عبدالرحمن جامی:

این علی در کمال خلق و سیر عین بوبکر بود و عین عمر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در طول خلافتش سختی‌ها دید و همچون امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، مظلومانه شهید شد. ابوبکر صدیق، عمر فاروق، عثمان ذی‌التورین و علی مرتضی علیه السلام راه پاک پیامبر رحمت را پیمودند تا مردم در سراسر محدودهٔ خلافت اسلامی در رفاه مادی و با تربیت ایمانی زندگی کنند و پرچم پرافتخار اسلام را با مجاهدت‌های مخلصانه خود به اهتزاز در آورند.

بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات امیرالمؤمنین علی علیه السلام

- ۱- مبارزه با فتنه و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه پیش آمده بود؛
- ۲- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی، مانند خوارج و آگاه کردن مردم از خطرات آنها (البته و متأسفانه بالاخره به وسیلهٔ همین گروه افراطی و کوتاه‌فکر به شهادت رسید)؛

۳- ایراد خطبه‌ها و نوشتن نامه‌هایی حاوی معارف اسلامی، شیوه حکومت‌داری و اخلاق والای انسانی که هم‌اکنون به‌عنوان گنجینه‌ای در اختیار بشریت است. او در عهدنامه‌اش با مالک اشتر نجعی که در هنگام تعیین وی به‌عنوان حاکم مصر نوشته است، عالی‌ترین شیوه کشورداری را آموزش می‌دهد که هنوز هم نظیر ندارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۵۸۶ حدیث از پیامبر نقل کرده است.

درس آموزی

به نظر شما، کدام یک از ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جامعه امروز کم‌رنگ شده است و مردم به آن نیاز مبرمی دارند؟

۵- امیرالمؤمنین حسن علیه السلام

امیرالمؤمنین حسن علیه السلام، فرزند ارشد امیرالمؤمنین علی مرتضی و فاطمه زهرا علیها السلام است. او به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار شبیه بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به حدی دوست می‌داشت که درباره‌اش فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَجِبْهُ وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ.»

«پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار و هر کس را که دوستش دارد، دوست بدار.»^۱

پس از شهادت عارفانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مردم با فرزند بردبارش، حسن علیه السلام، بیعت کردند. حسن علیه السلام پرورش یافته خانه ایمان بود. او مناجات و دعاها و مخلصانه مادرش را برای دیگران شنیده و به سخنرانی‌های نغز و پر مغز پدر بارها گوش داده بود. همچنین، دلسوزی و خیرخواهی بزرگان صحابه را در حق پدرش بارها مشاهده کرده بود و می‌دانست دین جَدش چقدر با تفرقه سرناسازگاری دارد و آن را بر نمی‌تابد؛ لذا شخصیتی کامل پیدا کرد. پدرش از طرفی عابد محراب و از طرف دیگر، زاهد دنیا و خادم خانه بود. مردم سجده‌های طولانی او را بارها و بارها دیده بودند. حسن علیه السلام مردی اهل صفا و وفا بود و بنابر نقل‌های صحیح و متعدد تواریخ^۲ و به نقل نزدیکانش در طول عمر با برکت خود سه بار عمده اموالش را در راه خدا بخشید. این شخصیت مجتهد، با تقوا و سخاوتمند برای جلوگیری از اختلاف مسلمانان طی اقدامی صلح‌طلبانه منصب خلافت را رها کرد و مانند پدر شهیدش به کاروان شهدا پیوست. با شهادت ایشان، چراغ فروزان خلافت

۱- حدیث صحیح است؛ صحیح بخاری ۲۱۲۲ و ۵۸۸۴، صحیح مسلم ۲۴۲۱، سنن ابن ماجه ۱۴۲، مسند احمد ۹۸۷۳.

۲- المرتضی، سیدابوالحسن علی حسینی ندوی (سیره و زندگی جامع تحقیقی و تألیفی اسوه تقوی و عدالت حضرت علی مرتضی)، چاپ اول مرکز انتشارات فاروق اعظم زاهدان، پاییز ۱۳۸۵.

درس آموزی

با توجه به صفت نرم خویی و ملاطفت امیرالمؤمنین حسن علیه السلام، بنویسید که در تعامل با گروه‌های مختلف مردمی، این صفت چه تأثیرات مطلوبی به جا می‌گذارد.

پاسخ به سؤالات شما

- ۱- چرا خلفای راشدین با وجود امکان خوش گذرانی، زندگی ساده را برگزیدند؟ چون آنها زهد را برای حکام امری واجب می‌دانستند. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده که خداوند بر حاکمان امت اسلامی واجب کرده است که معیشت خود را در حد پایین‌ترین مردم در نظر بگیرند.
- ۲- چرا اقتدار خلفای راشدین آنها را از حق‌طلبی و عدالت‌گستری خارج نکرد؟ به علت ایمان و تقوا و درس‌های انسان‌سازی که از مکتب عدالت پرور کتاب و سنت عملاً فراگرفته بودند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با دقت در سیره خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را بیابید و درباره هر کدام دو سطر توضیح دهید.
- ۲- با دقت در سیره خلفای راشدین، نقش مردم را در خلافت هر یک از این خلفا تحلیل کنید.
- ۳- درباره نحوه تعامل خلفای راشدین با هم تحقیق کنید. (دانش‌آموزان عزیز برای تحقیق بیشتر در این باره می‌توانند به دو کتاب شیخین و صهرین اثر سیدعبدالرحیم خطیب، مراجعه کنند.)

۱- شهادت حسن بن علی در بسیاری از منابع اسلامی ذکر شده و مشهور است که آن بزرگوار مسموم شده است؛ از جمله این منابع می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:
الاصابه ۷۳/۲ تألیف ابن حجر، تهذیب التهذیب ۱۲۷/۸، سیر اعلام النبلاء ۲۷۴/۳، اسد الغابة ۱۳/۲، البدایه و النهایه ۲۰۸/۱۱. اما در اینکه چه کسی به این کار اقدام کرده، سند و دلیل درستی در دست نیست. البته برخی از اهل علم معتقدند که آن پیشوای بزرگوار مسموم نشده و به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.

﴿۲۲﴾ وَأَدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيُّهُمْ

فِيهَا سَلَامٌ ﴿۲۳﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿۲۴﴾

تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۵﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ

كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

﴿۲۶﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

﴿۲۷﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا

قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿۲۸﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُونَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿۲۹﴾

درس چهارم گستره و انشعابات علوم اسلامی پس از خلفای راشدین

در درس‌های پیشین دربارهٔ خلافت^۱ و حاکمان اسلامی سخن گفتیم. در آنجا از پیشوایانی نام بردیم که از اقتدار خود نهایت استفاده را کردند تا مردم را به رستگاری دنیوی و اخروی برسانند؛ در دنیا عدالت را برقرار کنند، نگذارند دیو فقر به خانه‌های مردم سرک بکشد، در زمینهٔ علم کوشا باشند و در مجال فعالیت‌های خود شب و روز با تأمل فکری و قلبی بسیار، رفاه مادی دسته‌ها و آحاد مردم را تأمین و نیازهای معنوی آنان را برطرف کنند. این ادامه داشت تا اینکه در پی انحراف حکومت امویان نوهٔ پیامبر، حسین بن علی علیه السلام، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفت که این امر در نهایت منجر به شهادت او و یاران و اسارت خانواده‌اش شد. با به اتمام رسیدن کار نظام شورایی و خلافت و عدم توجه به اصل اساسی شورا، وضعیت جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد. سرزمین‌های اسلامی (در این مقطع از زمان) گسترش یافتند و تعدد قومیت‌ها و ملیت‌ها (که در محدودهٔ حکومت

۱- بنا بر حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله الخلافة فی أمتی ثلاثون سنة ثم ملک بعد ذلک، حدیث صحیح است؛ - سنن ترمذی ۲۲۲۶؛ مسند احمد ۲۱۹۲۳ و ۲۱۹۲۴؛ سنن ابی داود ۴۶۴۶ و ۴۶۴۷؛ مسند احمد ۲۱۹۲۳ و ۲۱۹۲۴ و ۲۱۹۱۹؛ (البته این مفهوم با الفاظ دیگری هم از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است). جالب است بدانید که رسول خدا در این کلامش از حکومت شورایی با لفظ خلافت یاد کرده‌اند و ۳۰ سال کامل با احتساب ۶ ماه خلافت امام حسن علیه السلام کامل می‌شود.

مسلمانان بودند) موجب مسائل جدیدی شد. آری، وجود این قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، عراق، مصر، ایران، هند، آفریقا و حتی بخش‌هایی از اروپا به ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی منجر گردید و این امر مسئله پاسخ‌گویی به این مسائل را ضروری و حتمی نمود. البته باید بدانیم که گستردگی مفاهیم اسلامی که باعث علاقه بیشتر مسلمانان به مطالعه و بررسی علوم (به‌ویژه علوم دینشان) می‌شد، قبل از گستره وسیع قومی و جمعیتی مسلمانان دلیل اصلی گسترش علوم اسلامی بود.

وضعیت علمی و عقیدتی و فقهی بعد از خلفای راشدین

حرکت علمی مسلمانان در زمینه‌های مختلف دینی و حتی علوم تجربی و ادبی ادامه یافت. البته حرکت‌های اصلاحی و سیاسی هم در گستره سرزمین‌ها شکل گرفتند که حاصل این فعالیت‌های عقیدتی، فقهی و سیاسی ایجاد جماعت‌های سیاسی و مذاهب عقیدتی و فقهی بودند. پس از این تحولات، علوم اسلامی تدوین شد و مسلمانان دانش دیگر ملت‌ها را نیز به زبان علمی آن زمان (عربی) ترجمه کردند و بیشتر از ترجمه علوم، آنها را بسط و گسترش دادند. فلسفه یونان ترجمه گردید و نقدها و شروح مختلفی بر گفته‌های فیلسوفان یونان نوشته شد. علوم اسلامی هم در آن دوره کم‌کم از حالت پراکندگی بیرون آمد و بزرگانی از علمای اسلامی آنها را تدوین، تقسیم و تشریح کردند. فقه یکی از این علوم است.

بیشتر بدانیم

- در این سال‌ها، به تدریج در جامعه گرایش‌های مختلف و دستجات گوناگونی به وجود آمدند؛ به گونه‌ای که فعالیت‌های علمی و عملی مسلمانان، به احزاب و مذاهبی به شرح زیر منجر شد:
- ۱- گروه‌ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت در رقابت بودند.
 - ۲- مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی، نظرات خاصی ارائه می‌کردند.
 - ۳- مذاهب فقهی که برای به‌دست آوردن احکام شرعی، روش‌های خاصی داشتند و مخاطبان، یکی از این مذاهب را انتخاب می‌کردند.

توجه به این نکته لازم است که گرایش‌های عقیدتی، فقهی، سیاسی و تربیتی به گونه‌ای جدی ریشه در شاخه‌های معرفتی و تربیتی و بینشی اسلام دارند.

برای فهم دقیق آنچه گفته شد، به دو آیه زیر توجه کنید.

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ

حِينَ يَأْذَنَ رَبُّهَا وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

«آیا اندیشه نکرده‌ای که خداوند چگونه توصیفی را برای شما آورده است؟ عقیده پاک، مانند درخت

خوب و پاک است که تنه آن [در زمین] استوار و محکم است و شاخه‌هایش در فضا [پراکنده]. این

درخت به اراده و خواست خدا هر زمان میوه خود را می‌دهد [همیشه ثمر دارد و سرسبز و خرم است] و

خداوند برای مردم توصیف‌های گوناگون را بیان می‌کند تا از آنها پند بگیرند»^۱

در این آیه (بنا به آنچه در خود آیه و تفاسیر معتبر آمده است) درخت ایمان و اسلام به درخت نخل

تشبیه شده که ریشه این درخت پاک دلیل‌های عقلی و نقلی آن است، تنه‌اش عقاید و قیّم، شاخه‌هایش

فقه و احکام، میوه‌اش اخلاق و نظم و تربیتش و جمال و زیبایش، بصیرت است.

بنابراین آیات، مجموعه چهارگانه درخت دین اسلام عبات اند از:

۱- عقاید و قیّم

همان‌طور که گفته شد، تنه درخت دین اسلام عقاید و قیّم است. عقیده از ریشه عقد است به معنی

گره؛ یعنی باوری که با روح انسان گره بسته است. براساس بسیاری از آیات قرآن و احادیث نبوی،

اساسی‌ترین عقیده مسلمانان ایمان به توحید، معاد و نبوت است. این اعتقاد باید مانند تنه درخت خرما

محکم و راسخ باشد و بادهای مخالف هیچ تأثیری بر آن نداشته باشند. این تنه محکم باید ستونی برای

فروع درخت دین باشد. بیشترین رنج پیامبر اسلام در دوره مکی تثبیت اصول اعتقادات در فکر و

قلب مخاطبانش بود. آنها در این دوره آماده شدند که کم‌کم در مدینه با مسائل فقهی و اخلاقی به‌عنوان

شاخه‌های درخت دین آشنا شوند و آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود عملی کنند.

۲- فقه و احکام

شاخه‌های درخت دین اسلام (فرع) فقه اسلامی است. صلاة (نماز)، صیام (روزه)، زکات، حج

و جهاد و به صورت تکمیلی احکام خانواده، فقه داد و ستد، کشورداری، ارتباط با دیگر کشورها و...

همه و همه شاخه‌های این درخت پاکیزه‌اند. بیشتر آیات احکام در دوره مدنی نازل شدند. مسلمانان

کم‌کم خود را با احکام تطبیق دادند و آنها را در زندگی عملی خود اجرا کردند.

۳- آداب و اخلاق

میوه درخت دین اسلام و ایمان، آداب و اخلاق است. همان‌گونه که درخت بی‌ثمر فایده چندانی ندارد، دین بی‌اخلاق نیز فاقد جاذبه و تأثیرگذاری در خور توجه است. نظافت شخصی، جذابیت ظاهر، خوش خلقی، صداقت، وفاداری، احترام به همگان، ملاطفت و نرم‌خویی و گذشت از خطای دیگران و جبران نیکی‌های آنها، همه و همه میوه‌های شجره طیبه دین هستند. اهمیت و جایگاه میوه اخلاق به حدی است که برخی از علمای اسلامی معتقدند که تبلیغ دین با تندخویی و بی‌اخلاقی مانند عرضه خوراکی‌ها در ظرف‌های کثیف و غیر بهداشتی است که برای مخاطب جاذبه‌ای ندارد؛ ضمن اینکه کل نظام درخت دین زمانی جذاب است که اخلاق نیکو در فرد مسلمان و جامعه دینی هویدا باشد.

۴- بصیرت

علمای اسلامی به نظم و ترتیب درخت دین اسلام و جایگاه هر کدام از اجزای دین در جای شایسته‌اش بصیرت می‌گویند. برای احیای دوباره دین در دل‌های افراد جامعه باید به بصیرت توجه کرد. ابتدا باید ریشه‌های درخت و تنه‌اش را ثابت کرد و بعد، فروع دین را بر این تنه محکم و مبارک قرار داد. سپس، میوه شیرین دین را جزء جدایی‌ناپذیر آن معرفی کرد و آن را بارور ساخت. عالمان باید هر کدام از این موارد را همراه با ریشه‌اش (یعنی ادله عقلی و نقلی) به خوبی معرفی کنند و به‌گونه‌ای صحیح همگان را به آن دعوت نمایند. حاکمان هم باید زمینه‌های وجودی دین را در فرد و جامعه ایجاد کنند و تک‌تک مسلمانان موظف‌اند درختی محکم، زیبا و پرثمر را با مشخصات یاد شده در درون و ظاهر خویش ایجاد نمایند.

تدبّر در آیات

با تدبّر در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم، چه پیام‌های مهمی می‌توان برداشت کرد؟

اندیشه و تحقیق

- ۱- تحولات علوم اسلامی بعد از خلفای راشدین و نتایج مثبت و منفی آنها را تحلیل کنید.
- ۲- تبلیغ دین بدون رعایت موازین اخلاقی، چه نتایج بدی دارد؟

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ
 بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ
 مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا
 مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ
 مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا
 بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ۗ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ
 وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا
 يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يِنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ
 بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾
 وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ
 وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً
 فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
 وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾



درس پنجم

احکام و فقه اسلامی



در درس پیش گفتیم که یکی از اجزای شجره طیبه اسلام، فقه است. دین‌داری و دین‌گستری براساس دین فهمی، از ضروریات حتمی و حیاتی زندگی به شمار می‌آید. اسلام‌شناسی غذای روح و شکل‌دهنده فکر انسان است و پایه دین اسلام اعتقادات پاک اسلامی یعنی توحید، معاد و نبوت است. از چندین آیه از آیات سوره هود به روشنی استنباط می‌شود که دعوت مشترک تمام پیامبران به ایمان راسخ به توحید و معاد بوده است. به قول امام کاظم علیه السلام دنیای بی‌خدا کشتی سرگردانی است در اقیانوس بی‌پایان. فرد غیرموحد، فردی بریده از خالق، مالک و گرداننده هستی است؛ بنابراین، زمام وجودش از هم گسیخته است و شیطان و شیاطین و هوای نفس می‌توانند او را به هر جهتی که بخواهند، ببرند. نگاهی به تاریخ اسلام به خوبی نشان می‌دهد که چگونه پیامبر با دعوت مخلصانه، پاک و بصیرتمندانه خود در مکه توانست مردم را از شرک و بی‌خدایی نجات دهد و موحد و مطیع فرمان پاک خداوند کند. او با دعوت به قیامت (و به خصوص بهشت) و رعایت احکام اسلامی، یارانش را با زندگی سالم و پاک و ابدی زیبایی آشنا کرد و با این کار به حیات گذرا و پر از درد و گناه انسان‌ها معنا و مفهوم بخشید. باید بگوییم که با ایمان به معاد هیچ‌کس پوچ‌گرا نمی‌شود. دوران مکه گرچه پر

از درد و رنج بود و مشرکان از هرگونه آزاری در حق مؤمنان دریغ نمی‌کردند، اما ایمان به توحید و قیامت و رعایت احکام اسلامی را در مردان و زنان شکوفا کرد؛ به طوری که نام آنان در تاریخ بشریت برای همیشه می‌درخشد. آنها با الگو گرفتن از پیامبر رحمت، برای خود زندگی‌هایی سرشار از معنا و معطر به عطر ایمان ساختند. امروزه اگر بعضی از مسلمانان از مفهوم عبادت و اخلاق دورند، این امر ریشه در دوری آنان از اعتقادات پاک ایمانی دارد. کسی که بدون هیچ دلیلی اهل نماز نیست، به روزه و رمضان بی‌اعتناست، زکات نمی‌دهد، می‌تواند حج به‌جا آورد ولی از آن غافل است، به این دلیل است که پایه‌های اعتقادی محکم ندارد و از اسلام و دین فقط پوسته‌ای را شناخته که از مغز توحید و قیامت تهی است.^۱ آری، مسلمانانی که تا حدودی متعهد به انجام دادن عبادات‌اند اما از اخلاق و صفات ایمانی به دورند، مشکیشان این است که در معرفت دینی نقص دارند و اعتقاداتشان سطحی و غیرمحکم است.

هر که در او جوهر دانایی است بر همه چیزش توانایی است^۲

بررسی فقه و جایگاه آن به ما می‌آموزد که با رعایت احترام به مذهب فقهی یکدیگر، در جست‌وجوی حق و رسیدن به سنت پاک پیامبرمان باشیم. اختلاف فهم در هر زمینه علمی و معرفتی کاملاً طبیعی است و به‌طور خاص، اختلاف برخاسته از مراجعه ما به متون دینی و فهم ما از آنهاست.

تعریف فقه اسلامی

واژه فقه به معنای فهم عمیق و تیزهوشی است و تَفَقُّهُ در دین یعنی فهم دقیق دینی. علما در اصطلاح اسلامی و شرعی از فقه تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. امام اعظم ابوحنیفه رحمته‌الله، فقه را شناخت آنچه برای وجود انسان مفید یا مضر است تعریف کرده است. امام شافعی رحمته‌الله فقه را علم به احکام شرعی عملی می‌داند که از دلیل‌های شرعی گرفته شده است. احکام زمینه‌های متفاوتی دارد. برای درک صحیح احکام شرعی عملی مثالی از حج می‌آوریم. رعایت قوانین مربوط به سفر هوایی، آداب و رسوم مربوط به فرودگاه و خروج از کشور و... احکام قانونی این سفر مبارک است. بردن قرص و دارو برای کسانی که بیمارند و دوری از خوردن و آشامیدن بعضی چیزهایی که سلامت حاجی را به خطر می‌اندازد، احکام بهداشتی حج است و... اما اینکه طواف کعبه چند دور است و از طرف راست یا

۱- جا داشت که در این کتاب بیشتر از این مختصر، درباره مسئله عقاید و قیّم سخن گفته می‌شد اما چون کتاب دین و زندگی به این امر مهم پرداخته است، به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲- نظامی گنجوی، مخزن الاسرار

چپ انجام می‌شود و...، از احکام شرعی عملی حج است و فقه به چنین مسائلی می‌پردازد؛^۱ بنابراین، موضوع فقه، افعال و اعمال شرعی مکلفان است.^۲

ویژگی‌های فقه اسلامی

فقه اسلامی، به عنوان بخش عملی اسلام، بر اساس قرآن و سنت و سایر دلایل شرعی بنا شده است و با بخش اعتقادی اسلام ارتباطی مستقیم دارد. به این معنی که مکلف خود را به آن پایبند می‌داند؛ چون به ریشه و اساس آن، که ایمان به توحید و قیامت و رسالت است، اعتقاد دارد و علت اینکه می‌بینیم همیشه در قرآن و سنت اعمال فقهی به ایمان مرتبط شده، همین است؛ مثلاً مکلف روزه می‌گیرد؛ چون مؤمن است^۳ و خدایش فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب شده است.»^۴

بنابراین تعهد فقهی در اصل تعهدی مبتنی بر اعتقادات فقهی است. فردی که زکات می‌دهد و در پرداخت آن آداب و شرایط و محدوده‌ای را رعایت می‌کند، به گونه‌ای نشان می‌دهد که با اصل و ریشه دین در ارتباط است و هرچه این ارتباط آگاهانه و مخلصانه‌تر باشد، دین‌داری فرد، زیباتر و پرثمرتر است.

تفاوت فقه اسلامی و قوانین بشری

فقه اسلامی با قوانین بشری که ساخته و پرداخته ذهن انسان‌هاست، تفاوت‌هایی اساسی دارد که در اینجا برخی از آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱- اساس آن وحی و قرآن است؛

باید دانست که اعتبار سایر پایه‌های فقه (سنت و اجماع و...) هم مبتنی بر قرآن است. منشأ و حیاتی فقه آن را در عین زمینی بودن به آسمان‌ها می‌برد؛ در حالی که قوانین بشری هر چقدر هم که مهم باشند و محترم شمرده شوند، باز بشری هستند و به وحی ربطی ندارند.

۱- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۳

۲- مکلف به فرد بالغ، عاقل و مختاری می‌گویند که تکالیف شرعی، به اعمال او مرتبط است؛ یعنی برخی از اعمالش بر اساس شریعت اسلامی، واجب و برخی مستحب، برخی حرام و برخی مکروه و بعضی مباح است.

۳- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۲

۴- سوره بقره، آیه ۱۸۳

۲- ویژگی دینی دارد؛

این ویژگی دینی است که مقوله حلال و حرام را در آن ایجاد می‌کند. در قوانین دنیوی حکم قاضی و تراوش فکری قانون‌گذار محدوده احکام را روشن می‌کند اما در فقه اسلامی فقط حکم مستقیم خدا و پیامبر و یا اجتهاد مجتهد و فقیه که مرتبط با قرآن و سنت و در ارتباط با حلال و حرام شرعی می‌باشد تعهد بیشتری در مخاطب ایجاد و او را پایبندتر کرده و در سرنوشت اخروی او تأثیر مستقیم دارد. به عنوان مثال ابراء یکی از احکام دینی مرتبط با قرض است. در حکم ابراء شخص قرض دهنده قرضی را که بر فرد مقابل دارد به خاطر رضای خدا می‌بخشد حال اگر فرد ابراء کننده (بخشنده قرض)، (پس از ابراء) مدعی قرض خود شود مفتی به حرام بودن یا پس گرفتن آن، فتوا می‌دهد اما قاضی پس‌گرفتنش را روا می‌داند. بنابراین در دینی بودن فقه، حلال و حرام بودن اعمال مورد نظر است.

۳- پاداش و سزای دنیوی و اخروی دارد؛

در قوانین وضعی، مجازات و پاداش، فقط دنیوی است. یعنی برخی از کارها مثل کار کارمندان دارای پاداش هستند و برخی از اعمال مانند دزدی و اختلاس مجازات دارند؛ اما نکته‌ای که در اینجا مهم به نظر می‌رسد این است که تمام خدمات و کارها همیشه معلوم و علنی نیست و گاهی از نظرها پنهان می‌مانند، همچنین انجام دهندگان اعمال لازم و واجب در درجه اتقان و کیفیت انجام کار با یکدیگر یکسان نیستند. در مقابل، کارهای بد نیز در بسیاری از موارد پنهانی انجام می‌شود و متخلفان از چنگ قانون فرار می‌کنند؛ ضمن اینکه در قوانین بشری برای آن اعمال پنهانی پاداش یا مجازاتی در نظر گرفته نشده است. اما در فقه اسلامی که قانون‌گذاری است تمام اعمال مکلف (آشکار و پنهان)، پاداش و یا سزا دارد و در پرونده اعمال توسط فرشتگان ثبت و ضبط می‌گردد و هیچ عملی ضایع و تباه نگشته و در ترازوی عدل الهی در قیامت، ارزش هر کار به‌طور دقیق سنجیده می‌شود.

۴- ماندگار و زمان شمول است؛

فقه، اصولی دائمی دارد که تغییر ناپذیر است مثل تراضی و خشنودی خریدار و فروشنده در معامله، حمایت از حقوق فرد و جامعه و مبارزه با جرم و جنایت. اما در عین حال در فقه اسلامی قیاس و مصالح عمومی و خصوصی انسان‌ها هم در نظر گرفته شده و قواعد و قوانینی دارد که بر اساس شخص، زمان و مکان‌های مختلف می‌تواند تغییر کند و در نتیجه فتوا به تغییر آن داده می‌شود؛ مثلاً براساس موازین فقهی، حسنات (اعمال نیک) و سیئات (اعمال بد) می‌تواند بنا بر فرد و زمان و مکان، وزن مخصوص پیدا کند.

۵- جهان شمول است.

یکی از تفاوت‌های بسیار مهم فقه با قوانین بشری، شمول و گستردگی فقه اسلامی است. فقه اسلامی در صدد است رابطه انسان را با خدا، مردم و جامعه، محیط زیست و آنچه در آن است (همچنین خود فرد مکلف) اصلاح کند. فقه جز همه اینها، قانون دین و دولت است و برای تمام بشریت وضع شده و در پی خوشبختی دنیوی و بلکه ابدی برای انسان است. احکام آن تلفیقی است از عقیده (از جهت مرتبط بودن با عقیده)، عبادت، معامله و برخورد با همگان. از طرف دیگر، فقه با درون انسان مرتبط است و در عین حال ظاهر را هم در نظر دارد؛ به همین سبب، شمول و فراگیری آن بسیار وسیع‌تر از قوانین بشری است. اکنون که از شمول و گستردگی فقه سخن گفته شد، لازم است این ویژگی از ویژگی‌های فقه اسلامی به‌طور گسترده‌تری بررسی گردد. فقه اسلامی از این زاویه به دو دسته عبادات و معاملات تقسیم می‌شود. در اینجا این دو دسته از احکام را به صورت مختصر شرح می‌دهیم و تبیین می‌کنیم.

۱- احکام عبادات: موضوع این بحث، رابطه انسان با خداست؛ گرچه در اکثر موارد، بخش عبادات هم بی‌ارتباط با انسان‌ها نیست.

۲- احکام معاملات: منظور از معامله در اینجا فقط خرید و فروش نیست بلکه تعامل و ارتباط شخص با دیگران نیز هست (به شکل فردی و یا رابطه مسلمان با جامعه اسلامی و دیگر جوامع به صورت جمعی).

اصل اباحت

یکی از ویژگی‌های دین اسلام این است که بهره بردن از اشیا و نعمات را در اصل، روا و مباح می‌داند. این ویژگی موجب می‌شود که مسلمان در مقابل دین احساس امنیت کند و با تمام وجود معتقد شود که حرام کردن برخی امور برای دفع ضررهای جسمی و روحی آن است. دین می‌خواهد انسان از چیزهایی که واقعاً مفیدند، استفاده کند و از آنچه ضرر دارد، پرهیزد. باید بدانید که ممکن است گاهی دلیل حرام بودن اشیا و اعمال بر افرادی پنهان بماند. این مسئله ناشی از این است که در تحلیل حکمت اشیا، انسان‌ها معمولاً به عقل یا یافته‌های خود تکیه می‌کنند و چه بسا عقل فردی در میدان تشخیص مصلحت لنگ بماند.

قرآن به ما امر می‌کند که در استفاده از نعمت‌های خداوند به دو گزینه حلال بودن و پاک بودن اهمیت دهیم (حلالاً طیباً). در سوره اعراف آیه ۳۲ با پرسشی انکاری می‌گوید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ...»

«ای پیامبر زشتی کار حلال و حرام کردن ناروای مشرکان را به آنها گوشزد کن و [بگو چه کسی زینت‌های

الهی را، که برای بندگانش آفریده و همچنین روزی‌های پاکیزه را حرام و ممنوع کرده است.»

بنابراین، دلی پاک و روحی بلند و عقلی سالم است که به راحتی درک می‌کند که خداوند با حلال و حرام کردن می‌خواهد انسان را کامل کند و از آفات مختلف دور نماید. علمای اسلامی در کتب قواعد فقه، اصل اباحه را این‌گونه آورده‌اند: الاصل فی الاشیاء الاباحه؛ یعنی رویکرد اصلی شریعت اسلامی در انتخاب نعمت‌ها و استفاده از آنها، جایز و روا بودن است و حرام کردن امور حتماً به دلیل ضروری است که انجام دادن آنها برای فرد یا جامعه دارد.

بیشتر بدانیم

ضرورت آشنایی با فرم و محتوا در فقه اسلامی

تمام آنچه را که اسلام نامیده می‌شود، می‌توان به دو دسته فرم و محتوا تقسیم کرد. محتوا درون‌مایه و اساس هر چیز است و علمای اسلامی آن را اخلاص (نیت و انگیزه) می‌گویند؛ مثلاً در بحث صیام (روزه) محتوا رسیدن به تقواست. به همین جهت، قرآن هدف از فرض شدن روزه را بر مؤمنان رسیدن به تقوا ذکر می‌کند^۱، اما در عین حال به شکل و ظاهر هم – که علما آن را متابعت^۲ می‌گویند – در مورد روزه تصریح دارد؛ آنجا که از حکم روزه افرادی که مریض و مسافرند سخن می‌گوید و به آنها امر می‌کند که بعد از بهبود یا اتمام سفر، روزه خود را (در زمانی دیگر) به جا آورند. همچنین، به کسانی که به هیچ‌وجه توان ادای فریضه روزه را ندارند، قالب دیگری از عبادت به نام فدیة (جبران مالی) را معرفی و امر می‌کند.^۳ در سنت پیامبر هم مسئله پرداختن به محتوا و ظاهر دیده می‌شود. رسول الله ﷺ همان‌طور که به محتوای خشوع و فروتنی در نماز عمل می‌کرد و مسلمانان را نیز به آن امر می‌نمود، به آنان فرمان می‌داد که ظاهر نمازشان را بر اساس ظاهر و شکل نماز خود آن بزرگوار تنظیم کنند و می‌فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ «آن‌گونه نماز بخوانید که مرا در حال نماز خواندنم می‌بینید»؛ یعنی ظاهر نمازتان مثل ظاهر نماز من باشد. بنابراین، برخلاف گفته برخی از افراد ساده‌اندیش، باید به محتوای برنامه‌های اسلامی توجه کرد و در عین حال، به ظاهر فقهی آنها هم متعهد بود. در نماز همان‌گونه که خشوع را در نظر می‌گیریم، در عین حال، بر اساس روش پیامبر ﷺ نماز می‌خوانیم؛ زیرا به قول اهل علم، این توجه به محتوا و ظاهر، کمال بندگی را در انسان نشان می‌دهد و در عین حال، دین را از دستبرد تغییر و تحریف و تبدیل نجات می‌دهد و آن را آن‌گونه که بوده است، باقی می‌گذارد؛ چون تغییر و تبدیل احکام، خیانت و جسارت به خدا، پیامبر، دین و مخاطبان دین است.

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۳

۲- متابعت یعنی اینکه فرم و ظاهر عمل بر اساس سنت و روش پیامبر صورت بگیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر به شرح حدیث شماره ۲۱ اربعین نووی و تفسیر آخرین آیه سوره کهف مراجعه شود.

۳- سوره بقره، آیه ۱۸۴

اجتهاد و شرایط آن

اجتهاد در لغت به معنی تلاش و کوشش کردن است و در اصطلاح علمی، به تلاشی گفته می‌شود که فرد صاحب تخصص و توان دینی و فقهی، آن را انجام می‌دهد و هدفش کشف حکم شرعی و استنباط احکام از روی دلایل شرعی است. به کسی که دارای توان و تخصص اجتهاد باشد، مجتهد می‌گویند.

مجتهد باید از پنج موضوع مهم آگاهی کامل داشته باشد:

۱- کتاب (قرآن)

۲- سنت (مجموعه گفتار و کردار رسول خدا ﷺ و همچنین تأییدهایی که از اعمال شرعی مسلمانان داشته است)

۳- اقوال علمای صاحب نظر و اجماع‌های صورت گرفته در تاریخ فقه

۴- تسلط کافی بر زبان و ادبیات عرب

۵- شناخت کافی از قیاس و مهارت در آن.

در نهایت نیز، استعداد و توانایی استنباط احکام را هم به عنوان شرطی لازم داشته باشد. این ذوق و استعداد را «شمّ اجتهاد» می‌گویند. مورد اخیر را بسیاری از اهل تحقیق ذکر کرده‌اند؛ زیرا فرد عالم بدون این ذوق و شمّ، فقط ناقل است و بیشتر از آنکه توان اجتهاد داشته باشد، کتابی گویاست.^۱

به افرادی که توان اجتهاد ندارند و برای به دست آوردن حکم مسائل شرعی باید به اجتهاد مجتهدان رجوع کنند، مقلد می‌گویند. بنابراین، مراجعه فرد غیر مجتهد به مجتهد برای آگاهی از حکم شرعی، تقلید نام دارد. فرد مقلد بنا به اعتمادی که به مجتهد دارد، از رأی و اجتهاد او پیروی می‌کند. پس، تقلید، گرفتن حکم شرعی مسائل اجتهادی از مجتهد و پیروی کردن مخلصانه از آن است.

منابع اجتهاد

اجتهاد کاری کارشناسانه است که باید با رجوع به منابعی موثق و مرتبط با دین صورت گیرد. این منابع مهم را منابع اجتهاد و دلایل فقهی می‌گویند. قرآن، سنت، اجماع و قیاس منابع اصلی اجتهادند و استحسان، استصحاب، مصالح مرسله، عرف، شریعت‌های سابق و مذهب صحابه، سایر منابع اجتهاد به شمار می‌روند.^۲

۱- البته قصد از این سخن، کاستن مقام افراد ناقل نیست بلکه هدف این است که بدانیم اجتهاد جز توان علمی، نوعی تسلط و مهارت است و قضیه در حد نقل و ذکر اقوال باقی نمی‌ماند.

۲- دیران گرامی در صورت لزوم می‌تواند در کلاس، منابع غیر اصلی را توضیح دهند؛ اما اینها فقط جهت اطلاع بیشتر در اینجا ذکر شده است.

دانش‌آموزان گرامی می‌توانند برای مطالعه در این زمینه به کتب اصول فقه از جمله ترجمه فارسی «الوجیز» عبدالکریم زیدان، مراجعه کنند.

اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی، فعلی یا تقریری مجتهدان، درباره مسئله‌ای که به حکم آن در قرآن و سنت رسول الله ﷺ اشاره نشده باشد.

اجماع سبب می‌شود:

- ۱- تفرقه و دودستگی در میان امت از بین برود؛
- ۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی، ممکن گردد؛
- ۳- هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوء استفاده از قدرت از بین برود.

امامان اربعه اهل سنت

به امامان چهارگانه اهل سنت (در فقه و مذهب) که به اتقان علما و بزرگان امت، در میان ستارگان آسمان فقاقت جایگاهی بزرگ دارند، ائمه اربعه می‌گویند. این بزرگواران به ترتیب زمان عبارت‌اند از:

۱- نعمان بن ثابت (امام اعظم ابوحنیفه) رحمته الله علیه پیشوای مذهب حنفی

۲- مالک ابن انس رحمته الله علیه پیشوای مذهب مالکی

۳- محمد بن ادریس شافعی رحمته الله علیه پیشوای مذهب شافعی

۴- احمد بن حنبل شیبانی رحمته الله علیه پیشوای مذهب حنبلی.^۱

گفتنی است که جز این پیشوایان بزرگ، در میان امت اسلامی بزرگان دیگری هم بودند که سبک و روش فقهی خود را داشتند و امام آن روش و سبک (مذهب) به حساب می‌آمدند اما برای رعایت مصالح، گروهی از خیر خواهان امت اعلام کردند که بهتر است به همین چهار مذهب اکتفا شود تا ضمن حفظ روش‌های فقهی مشهور، گامی مهم در جهت اتحاد اسلامی برداشته شود. در اینجا مناسب است که به علت وجود پیروان مذهب حنفی و شافعی در ایران، امامان این دو مذهب را به اختصار معرفی کنیم.

۱- امام ابوحنیفه رحمته الله علیه

امام اعظم النعمان بن ثابت (مشهور به ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در ۱۵۰ هجری در بغداد درگذشت.^۲ امام اعظم به تحلیل دقیق کتاب (قرآن) و سنت و توجه به اهداف و مقاصد شریعت

۱- توجه داشته باشیم که در گذشته (در عصر امامان اربعه و حتی بعد از آنها) فقهای بزرگی بوده‌اند که سبک مستقل فقهی داشته‌اند اما پس از اکتفای امت به فقهای اربعه، مذهب آن بزرگواران از میان مردم رخت برسته است؛ از جمله آن بزرگان می‌توان به سعید بن مسیب و طبری اشاره کرد.

۲- در کتب عربی نامش را «النعمان» ذکر کرده‌اند.

بسیار اهمیت می‌داد و در این راستا به قیاس نیز توجه نمود.^۱ ابوحنیفه مردی باهوش و متفکری ژرف‌اندیش بود و صریح و بی‌باک سؤالات شرعی همگان را با صراحت و شجاعت با ادله فقهی جواب می‌داد و از دین خدا دفاع می‌کرد. او در بحث و مجادله تبحر داشت و منطقی سخن می‌گفت. از لحاظ شخصیت ایمانی و عملی نیز بسیار ذاکر، مردمی و متواضع بود. سبک تحلیلی امام اعظم موجب شد پیشوایان مذهب حنفی در گذشته به اصول و قواعد فقه خدمات شایانی کنند. امروزه هم در مسائل دفاع از حقوق بشر و تبیین و توضیح مسائل آن، آرای فقهای حنفی در جهان اسلام حرف اول را می‌زند. از ویژگی‌های اخلاقی امام ابوحنیفه خودداری ایشان از توهین به رقبای خود و غیبت آنهاست؛ به طوری که اگر تمام کتب تاریخی را بررسی کنیم، حتی یک بار هم مشاهده نخواهیم کرد که ایشان زبان به دشنام، نفرین یا غیبت کردن از رقبای خود گشوده باشد. تاریخ مذاهب معترف است که از جانب ایشان هیچ واکنش تهاجمی نسبت به اصحاب حدیث دیده نشده است. کتاب «الآثار» از جمله آثار علمی ابوحنیفه رحمته الله علیه است که احادیث در آن برحسب ابواب فقه مرتب گردیده و علامه سیوطی رحمته الله علیه مدعی شده که حتی امام مالک در تبویب^۲ «موطأ» خویش از ابوحنیفه پیروی کرده است. ابوحنیفه مقلد پرور نبوده بلکه سعی می‌کرده که مجتهد پرور باشد و در این کار، موفق نیز بوده است؛ به همین سبب همیشه به شاگردانش سفارش می‌کرده است که تا دلایل را نپرسیده‌اند، از او پیروی نکنند. یکی از ابتکارات ایشان روتق «فقه استدلالی» میان دین‌جویان و دور کردن آنان از اندیشه تقلید محض بود. به همین دلیل، قیاس و رأی که حنفیه بدان استناد می‌کنند، مستند و مستدل است و این گونه نیست که مثلاً امام ابوحنیفه بگوید این مسئله جوابش این است؛ چون من می‌گویم. نقل شده است که ایشان در طول عمرش ۵۵ مرتبه به حج رفته و مدت ۶ سال در مکه اقامت داشته و این اقامت بیانگر آگاهی ایشان از احادیث و فتاوی متداول مکه و مدینه است.^۳ پیروان مذهب امام اعظم در پاکستان، هند، بنگلادش و چندین کشور عربی و در ایران در سیستان و بلوچستان، خراسان، ترکمن صحرا (گلستان) و

۱- قیاس یکی از ادله اساسی فقه اسلامی است (گرچه در بین امت، مخالفانی هم دارد). شکل قیاس این گونه است که به خاطر وجود علتی (مثل زایل کردن عقل)، حکمی (مانند حرام بودن) به انجام دادن کاری (مثل مشروب خوردن) در دلیل شرعی (مثل قرآن و سنت) داده می‌شود. قرآن نوشیدن شراب را حرام می‌داند و از آیات این کتاب آسمانی فهمیده می‌شود که علت این تحریم، مستی آور بودن آن است و حاصل مستی، زوال عقل است. حال اگر شراب به صورت شکلات عرضه شود، آنچه اهمیت دارد مستی آور بودن آن است. بنابراین، شکلات جامد با شراب مایع مقایسه می‌شود و به علت مستی آوری مشترک، حکم حرام بودن به شکلات مذکور داده می‌شود؛ این فرایند اجتهادی را قیاس می‌گویند. اهمیت قیاس را آنجا می‌توان دریافت که هنگام آمدن مواد مخدر به جوامع اسلامی، برخی از مردم استعمال آن را حرام نمی‌دانستند؛ چون معتقد بودند که در کتاب و سنت از آنها نامی برده نشده است؛ در حالی که تخدیر نوعی از انواع مستی است و این موارد را می‌توان با شراب مقایسه کرد.

۲- باب بندی کتابش

۳- السنه، سیاعی، ص ۳۸۵

همچنین بخشی از استان هرمزگان و کرمان زندگی می‌کنند. ضمناً باشکوه‌ترین مدارس دینی اهل سنت ایران، به‌خصوص شعب حفظ قرآنی، در مناطق حنفی‌نشین ایران است. از امام اعظم به‌جز کتاب الآثار، کتاب‌هایی به‌جا مانده است که از جمله آنها می‌توان «الفقه الاکبر» را نام برد.

۲- امام شافعی رحمته علیه

محمد بن ادریس الشافعی در سال ۱۵۰ هجری در فلسطین متولد شد و در سال ۲۰۴ هجری در مصر درگذشت. دو ساله بود که پدرش را از دست داد. در همان سال، مادرش او را به مکه (موطن اجدادش) برد و در آنجا پرورش علمی و ایمانی یافت؛ زبان و ادبیات عرب را آموخت و در هفت سالگی حافظ کل قرآن شد. نزد مسلم بن خالد، مفتی بزرگ مکه، علم دین و به‌ویژه فقه را آموخت. سپس، به مدینه رفت و در محضر امام مالک تحصیلاتش را ادامه داد. نزد آن بزرگوار در علم حدیث متبحر شد و کتاب «الموطأ» او را در مدت کوتاهی حفظ کرد. بعد از مرگ استاد بزرگش امام مالک، به یمن و پس از مدتی به بغداد کوچ کرد. در آنجا با سبک مخصوص علمای عراق (که اهمیت مخصوصی به رأی و اجتهاد می‌دادند) آشنا شد و با فقهای بغداد مناظرات جذابی داشت که مورد توجه اهل علم و ذوق قرار گرفت. در بغداد، امام احمد بن حنبل به خدمتش رسید و شیفته علم، ذکاوت، ادب و تعهد او شد. سپس، در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و در برخی از آرا و نظراتش (که به مذهب قدیم مشهور است) تجدید نظر کرد و آرای جدیدی ارائه داد (به این نظرات امام شافعی «رأی جدید» می‌گویند). آن بزرگوار سرانجام در سال ۲۰۴ هجری در مصر به ابدیت پیوست.

امام شافعی انسانی وارسته، نکته‌سنج، ادیب، خوش قلم و سخنور بود و با تأمل سخن می‌گفت. هنگام سخن گفتن مطالب را شیوا و زیبا بیان می‌کرد و چنان می‌نوشت که خواننده مطالبش را از شنونده سخنانش حیران‌تر می‌ساخت.^۱ او مهارتش را در شعر و ادبیات به خدمت علوم دینی درآورد. شافعی عالمی وارسته بود و همگان به علم و تقوایش معترف بودند. فقه شافعی ضمن توجه به کتاب (قرآن) و سنت، به رأی و قیاس هم توجه زیادی دارد. در واقع، ادله عقلی و نقلی را با هم در آمیخته است. مردم مدینه در آن زمان امام شافعی را ناصر الحدیث می‌نامیدند؛ چون پیرو این نظریه بودند که:

جز به دستوری قال الله یا قال الرسول
ره مرو، فرمان مده، حاجت مگو، حجت میار^۲
کسانی که اهل اندیشه و قیاس و رأی محور بودند اما در عین حال، نص را هم رها نمی‌کردند، مذهب

۱- این تعبیر را علما برای آثار مکتوب امام شافعی به‌کار می‌برند و معنایش این است که وی زبانی شیوا و قلمی رساتر از زبان شیوایش داشته است.

۲- سنایی غزنوی

شافعی را بر می‌گزینند؛ چون می‌دیدند که رأی در این مذهب جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد :

بی نهایت کیش‌ها و پیشه‌ها جمله ظل صورت اندیشه‌ها^۱

بیروان مذهب شافعی در مصر، عربستان، مالزی و همچنین در ایران در استان‌های بوشهر، هرمزگان، فارس، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی و کرمانشاه و استان‌های شمالی ایران ساکن‌اند. از امام شافعی کتب مختلفی به جا مانده که از جمله آنها کتاب الام است.

اندیشه و تحقیق

- ۱- از سفرهای علمی امامان چهارگانه و ارتباط عاطفی و علمی آنها با هم، چه نتایجی می‌توان گرفت؟ توضیح دهید.
- ۲- منظور از ابراء چیست؟
- ۳- منابع اصلی استنباط احکام اسلامی کدام‌اند؟
- ۴- مجتهد در فهم احکام اسلام باید از چه علوم و موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟

وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾
 وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ
 ۗ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُهُ
 وَ تُسَوَّدُ وُجُوهُهُ ۗ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ
 ايمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَ اَمَّا الَّذِينَ
 اَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ آيَاتُ
 اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾
 وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ ۗ وَ اِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
 الْاُمُورُ ﴿١٠٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ
 اَمَنَّ اَهْلُ الْكِتٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ
 وَ اَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَنْ يَضُرَّوْكُمْ اِلَّا اَذًى ۗ وَ اِنْ
 يُقَاتِلُوْكُمْ يُؤَلِّوْكُمْ الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ ﴿١١١﴾



امت واحده و بصیرت دینی

درس هشتم

با اندیشه در قرآن و سنت متوجه می‌شویم که بنای دین اسلام بر وحدت و اتحاد است. وحدت یعنی یکی بودن و اتحاد یعنی یکپارچگی. تمام مسلمانان در توحید (یکتاپرستی)، اعتقاد به خاتمیت رسول الله ﷺ و ایمان به قیامت وحدت نظر دارند. در آنجا هم که تفاوت نظر امری ناگزیر است (مانند مسائل فقهی و...)، اسلام به اتحاد و جمع شدن در اطراف ریسمان محکم الهی (توحید) و چنگ زدن به آن امر کرده است. باید بدانیم که تفاوت‌های فقهی هیچ‌گاه نباید مسلمانان را از هم پراکنده سازد. در عین حال، تفاوت در نظر، امری عادی و طبیعی است؛ تا جایی که به نقل از قرآن و طبق نص صریح آن، دو پیامبر در یک زمان (حتی با وجود رابطه پدر و پسری) با هم در داوری یک موضوع تفاوت نظر داشته‌اند.^۱

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»^۲

«همانا این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شما هستم. پس، از من پروا کنید».

۱- به آیات ۷۸ و ۷۹ سوره انبیاء بنگرید. اختلاف داود و سلیمان عليه السلام، پدر و پسری که هر دو پیامبرند و قرآن داوری هر دو را در حل یک موضوع، خوب می‌داند اما حکم سلیمان (پسر) را بر حکم داود (پدر) ترجیح می‌دهد.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

در مورد اتحاد در مذاهب مختلف در عین حفظ اختلافات فقهی می‌توان به تابعی^۱ بودن امام اعظم علیه السلام اشاره کرد (توجه به این نکته هم لازم است که تابعی نزد همه مسلمانان جایگاهی محترم و والا دارد.) و به‌اینکه امام احمدبن حنبل علیه السلام شاگرد امام شافعی علیه السلام و امام شافعی هم شاگرد امام مالک علیه السلام است. این درس بزرگی برای تمامی امت است که بدانند آن بزرگان در عین تفاوت نظر در رویه و تحلیل مسائل فقهی، با یکدیگر رابطه صمیمی استاد و شاگردی داشته‌اند^۲. نام فراگیر و شاملی که قرآن برای مسلمانان انتخاب کرده، «امت» است. امت یعنی توده‌هایی از مردم که با وجود تفاوت در زبان، قومیت، آداب و رسوم، در هدفی مهم مشترک‌اند و آن هدف، همه آنها را با هم جمع می‌کند. به همین سبب، می‌توان گفت امت اسلامی، امتی است که در عقیده پاک اسلامی با هم یکی شده‌اند. این امت، الگویی عملی دارد که پیشتاز کاروان آن است و همه پشت سر او حرکت می‌کنند. اینان با این پیشوای خدایی قرار است بهترین الگوی عملی برای تمام ملت‌ها و اقوام باشند.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۳

«و این‌گونه شما را امتی میانه رو کردیم تا گواهانی [بر حقانیت اسلام] برای همه اقوام شوید و

پیامبر نیز بر شما گواه باشد.»

توجه کنیم که یکی از بسترهای شکل‌گیری اختلاف، غلو در دین است. قرآن با نهی غلو (خطاب

به اهل کتاب) مسلمانان را نیز از غلو در دین نهی می‌کند و در این مورد می‌فرماید:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ ... : ای اهل کتاب در دین خود غلو و زیاده‌روی نکنید.»^۴

تدبّر در آیه

با تدبّر در آیه مبارکه ۱۴۳ سوره بقره بگویید چه ویژگی‌هایی به امت پیامبر نسبت داده شده است؟

۱- وهبة الزحيلي در جلد اول «الفرقة الاسلامی و ادلته» تصریح می‌کند که امام اعظم تابعی است.

۲- در کتب تاریخ فقه آمده است که امام شافعی به حرمت استادش، امام مالک، تا زمان حیات استاد از ذکر برخی از آرا خودداری می‌کرد.

۳- سوره بقره، آیه ۱۴۳؛ توضیح اینکه امت وسط یعنی امتی که از افراط و تفریط دوری می‌کند و وسط یعنی امتی که فضائل و ویژگی‌هایی مثل دادگری ایمان و حسنات دارد و شهدا هم یعنی نمونه‌هایی عملی که در دنیا برای دیگران الگو هستند و در قیامت هم در دادگاه الهی گواهی می‌دهند که برای الگو بودن در حد توان تلاش کرده و حقانیت دین را ثابت نموده‌اند.

۴- نهی از غلو در دین با عبارت «لا تغلوا» در دو جای قرآن آمده است:

اول، سوره نساء، آیه ۱۷۱؛ دوم، سوره مائده، آیه ۷۷.

غلو اهل کتب این بود که به عیسی بن مریم و عزیر شخصیت خدایی دادند و آنها را به خاطر مقام رسالت و نبوت، فرزند خدا و یا در سطح خدا دانستند.

جایگاه امت اسلامی

طبیعتاً هر قوم و ملتی می‌تواند بر اساس میزان پابندی خود به آنچه دارد از یک طرف و ارزش داشته‌اش از طرف دیگر، برای خود جایگاهی کسب کند، اما قرآن امت اسلامی را بهترین امت می‌داند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ».^۱

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورند، قطعاً برایشان بهتر است. برخی از آنان مؤمن‌اند ولی بیشترشان از محدوده ایمان خارج می‌شوند و فاسق‌اند».

از این آیه چندین نکته استخراج می‌شود که در اینجا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- وصف آمر به معروف و ناهی از منکر بیانگر این است که این امت، اهل عمل است و امر به معروف و نهی از منکر زمانی در محضر خداوند پذیرفته است که انجام دهنده‌اش اهل عمل باشد.

۲- امر به معروف و نهی از منکر در صورتی تحقق پیدا می‌کند که همه مسلمانان به شکل یک امت باشند؛ یعنی حاکمیت اسلامی داشته باشند و یا کارشان گروهی، منسجم و سازمان یافته باشد.

۳- امت اسلامی آمر به معروف و ناهی از منکر، عملاً امتی دلسوز و صاحب احساس و مسئولیت است.

۴- از کلمه «لِلنَّاسِ» فهمیده می‌شود که امت اسلامی خود را در مقابل همه انسان‌ها مسئول می‌داند.

۵- از واژه «لِلنَّاسِ» همچنین می‌توان فهمید که امت اسلامی که به سود همه انسان‌ها کار می‌کند و کار امر به معروف و نهی از منکر در واقع به مصلحت همگان است.

۶- در جهان امروز، فراموش کردن توحید و ایمان به زندگی ابدی، پوچ‌گرایی، دنیاپرستی و وجود اعتقادات انحرافی، دعوت‌گرانی دلسوز و صبور می‌طلبد که چراغی پر فروز برای زندگی برتر شوند و انسان‌ها را نجات دهند.

۱- درباره ترجمه و تفسیر واژه «أُخْرِجَتْ» نظراتی مختلفی داده شده است: از جمله، «أُخْرِجَتْ» یعنی «آفریده شده‌اید» و همچنین «أُخْرِجَتْ» یعنی برای دعوت آنها به نیکی‌ها و معنشان از بدی‌ها کار دعوت و تبلیغ را در پیش گرفته و به مناطق مختلف زمین خروج کرده‌اید.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۱- با اندیشیدن در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران بنویسید که در زمان ما چه رویکردی به دین، انسان‌های مؤمن را در گروه بهترین امت قرار می‌دهد؟

بصیرت و امت واحده

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱.
 «(ای پیامبر) بگو: این راه من است. با بصیرت به سوی الله دعوت می‌کنم؛ هم خودم و هم تمام کسانی که از من پیروی می‌کنند [دعوت‌مان بر بصیرت و بینش است] و خداوند از هر شریکی منزّه است و من از مشرکان نیستم».

در این آیه، دعوت پیامبر و یارانش دعوتی واضح و براساس بصیرت معرفی می‌شود. بصیرت، نوع نگرش صحیح به درخت دین اسلام است؛ درخت دین نظم، ترتیب، ریشه، تنه، شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌هایی مرتب دارد و هر کدام از اینها در جای خود نیکو هستند. بنابراین، هر کس در اجرای امر به معروف، درخت دین را سر و ته کند و ابتدا به فروع دین و اخلاقیات پردازد، دعوتش، قطعاً دعوت صحیحی نیست. امروزه و در این زمان حساس دوری از افراط و تفریط و انحراف از اهداف دین و پرهیز از تندخویی، خشونت، تحقیر اقوام و ملت‌ها، امری لازم و ضروری برای به‌جا آوردن امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به اسلام است.

اتحاد امت اسلامی

اتحاد، شرط اساسی برای حیات طیبه^۲ امت اسلامی است. وجود رنگ‌ها، زبان‌ها، قومیت‌ها و ملت‌های گوناگون آیه‌ای از آیات رنگین خلقت است و نباید آن را دست‌مایه نزاع و اختلاف کرد. خداوند در سوره انعام امر به اطاعت از صراط مستقیم (تنها راه رسیدن به خدا) نموده است و از تفرقه و قدم نهادن در راه‌های گوناگون گمراه‌کننده نهی کرده است.

۱- سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۲- حیات طیبه اصطلاحی قرآنی است و مفهوم دقیق آن زندگی همراه با ایمان و عمل صالح و خود را فردی از مجموع عظیم امت دانستن است. زندگی ایمانی زندگی پاکی است که ایمان به توحید و ابدیت، پایه‌های آن به شمار می‌آید. در این زندگی پاک، مؤمن خود را مأموری می‌داند که می‌خواهد بهترین برخورد را با خدا و خلق خدا داشته باشد.

«وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»^۱

«این راه را [که من آن را برایتان ترسیم و بیان کردم] راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راه‌های [باطلی که شما را از آن نهی کرده‌ام] پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد».

خداوند همه مردم را به همگرایی و همسویی (امت واحده)، رعایت حقوق همدیگر، مساوات و برابری دعوت نموده است و این اصل اختصاص به اهل ایمان ندارد، بلکه در جامعه همه مردم به صورت یکسان از حقوق انسانی برخوردارند. دین‌داری مراتبی دارد؛ در این مراتب، ابتدا فرد به درجهٔ اسلام می‌رسد و بعد از مدتی تعهد و پیشرفت، به مرحلهٔ ایمانی می‌رسد و پس از رشد بیشتر در اخلاص، تقوا و استقامت دینی به مرحلهٔ احسان می‌رسد. به دارندهٔ هر کدام از این مراتب به ترتیب مسلم، مؤمن و محسن می‌گویند و با توجه به این تقسیم‌بندی، به مجموعهٔ منسجم طبقات سه گانهٔ یاد شده «مسلمون، مؤمنون و محسنون» گفته می‌شود. تمام آحاد و طبقات امت اسلامی باید بدانند که رهروان شاهراهی به نام «صراط مستقیم» هستند. قرآن به همهٔ رهروان این راه پر برکت امر کرده است که به ریسمان محکم الهی (توحید) چنگ زنند و متفرق نشوند و بدانند که تفرقه از شاخصه‌های جاهلیت است و با تفاوت نظر در مسائل علمی و دینی و یا تنوع زبان و فرهنگ و قومیت فرق دارد.

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۲

«همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و از اختلاف و تفرقه بپرهیزید و از نعمت خدا [دین اسلام] بر خود یاد کنید که زمانی با یکدیگر دشمن بودید و خداوند دل‌هایتان را به هم پیوند داد و به وسیلهٔ نعمت او با هم برادر شدید و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برایتان آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید».

در اینجا به مهم‌ترین عوامل تقویت وحدت و همگرایی اشاره می‌کنیم:

۱- دعوت به نقاط مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز

از جمله نمونه‌هایی از این هم‌زیستی، بی‌مانی است که میان حکومت اسلامی در صدر اسلام و پیروان اهل کتاب منعقد گردید. آنان پس از انعقاد پیمان از امنیت، آسایش و امکان داشتن ارتباط دوستانه با مسلمانان برخوردار شدند. قرآن کریم نسبت به اهل کتاب و دیگران در مقام همزیستی می‌فرماید:

۱- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۳.

۲- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّابِئِينَ مِنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱

«کسانی که ایمان داشتند و یهودیان و مسیحیان و ستاره پرستان و فرشته پرستان هرکس به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ بوده و ترسی در آنان نیست و غم و اندوهی برایشان دست نخواهد داد».

۲- عدم اهانت به باورها و مقدسات دیگران

اسلام دینی است بر پایه عزت، کرامت و حفظ شخصیت و حیثیت انسان؛ بر این اساس قرآن کریم احترام به باورها و مقدسات دیگران را عامل و زمینه ساز تعامل سازنده می شمارد. آنجا که می فرماید: [ای مؤمنان!] به معبودها و بت هایی که مشرکان به جز خدا می پرستیدند دشنام ندهید، تا آنان [مبادا خشمگین شوند] تجاوزکارانه و جاهلانه خدا را دشنام دهند. [همان گونه که معبودها و بت ها را در نظر اینان آراسته ایم] برای هر ملتی و گروهی کردارشان را آراسته ایم سپس بازگشت شان به سوی خدا ایشان است و خدا آنان را از آنچه کرده اند آگاه می سازد.^۲

بیشتر بدانیم

اهداف امت اسلامی

(الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می فرماید: وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.^۳
 (ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: سورة آل عمران می فرماید: شما بهترین امت در میان انسان ها هستید؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.
 (ج) استقرار دین خدا در جهان: در قرآن کریم آمده است: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد.^۴
 (د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین: خداوند در قرآن کریم می فرماید: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ زمین را سرانجام بندگان صالح من، به ارث می برند.^۵
 (ه) نجات مستضعفان و محرومان: وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.^۶

۳- سورة مائده، آیه ۳۵

۲- سورة انعام، آیه ۱۰۸

۱- سورة بقره، آیه ۶۲

۶- سورة قصص، آیه ۵

۵- سورة انبیاء، آیه ۱۰۵

۴- سورة توبه، آیه ۳۳

عوامل اتحاد اسلامی :

- ۱- اتحاد عقیده؛ ۲- اتحاد در فروع دین؛ ۳- اتحاد در اصل هدایت و رهبری؛ ۴- اتحاد هدف و آرمان مشترک؛ ۵- اتحاد در فرهنگ و تمدن.

بررسی

در باره عملکرد دین ستیزان در گذشته و عصر حاضر تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آنها برای تضعیف امت اسلامی و ایجاد تفرقه میان آنان چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- قرآن برای قبیح نشان دادن تفرقه از چه تعبیراتی استفاده می‌کند؟
- ۲- چگونه می‌توان به مراتب دین‌داری رسید؟ به ترتیب شرح دهید.

سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زَيْنَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْحَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
 اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
 ﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ
 وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
 فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ
 مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
 وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ
 وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى
 نَصُرُ اللَّهُ إِلَّا أَنْ نَصُرَ اللَّهُ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾



زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان

درس هفتم

کلمهٔ اختلاف در لغت به معنای «پشت به هم کردن» و «هر کدام راهی را رفتن» است.^۱ این معنی در قرآن علاوه بر واژهٔ اختلاف، با واژگانی مثل تنازع (کشمکش) یا جدال (حریف مقابل را به میدان کشیدن)، نزغ (فساد برانگیختن و دوبه هم زنی) و... نیز آمده است. مهم این است که درگیری، نزاع و مقابلهٔ انسان‌ها با هم ناپسند است و پیامدهای ناگواری دارد؛ آرامش و آسایش انسان را از او سلب می‌کند و در موارد بسیاری به قتل و کشتار منجر می‌شود. چون تأمین آسایش و آرامش و حفظ جان افراد و جوامع از اهداف اساسی اسلام است، در آیات قرآنی از انواع اختلاف نهی شده است.

ریشه و منشأ اختلافات، گوناگون است و به همین سبب، اختلاف انواع متفاوتی دارد. در اینجا به چند نوع مشهورتر آن اشاره می‌کنیم و سپس آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱- معنای دوم اختلاف، پشت سر هم آمدن است. در آیه ۱۹۰ سورهٔ آل عمران پشت سر هم آمدن شب و روز «اختلاف اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ» نامیده شده است. معنای سوم اختلاف، کشمکش و نزاع است، در آیه ۱۰ سورهٔ شوریٰ واژهٔ اختلاف در قالب فعل ماضی به همین معنا آمده است: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ»؛ «شما در هر موردی که با هم نزاع کنید، باید داوری و حکمش را به خدا ارجاع دهید.»

۱- اختلاف شیطانی

از چندین آیه قرآن فهمیده می شود که شیطان با جانبداری از فقر، فحشا، شراب، قمار، تقویت حس حسادت، ایجاد کینه با ترغیب انسان ها به حرف زشت زدن و نزاع و کشمکش، آنها را تحریک می کند. قرآن در آیه ۵۳ سوره اسراء می فرماید :

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»

«به بندگانم بگو به بهترین وجه با هم سخن بگویند. قطعاً شیطان در بینشان فساد و تباهی و اختلاف

ایجاد می کند. شکی نیست که شیطان دشمن آشکار انسان است.»

قرآن در این آیه، کار شیطان را نزع می نامد و نزع (همان گونه که در تفاسیر و کتاب های لغت آمده) به معنی دو به هم زنی و ایجاد فساد است. راه حل برخورد با اختلاف شیطانی، بی توجهی به وسوسه های شیطان و مقابله با او با توسل به اندیشه، همت و تکلف عملی است. تکلف عملی این است که انسان خود را به مخالفت عملی با وساوس شیطانی وادارد و برخلاف میل شیطان عمل کند، و با بندگان خدا به بهترین وجه سخن بگوید.

تدبیر در آیه

۱- با تدبیر در آیه مبارکه ۵۳ سوره اسراء بگویند دشمن مشترک و آشکار انسان ها کیست؟ (با

هم گروهی های خود در مورد راه های دشمنی او با انسان ها تحقیق کنید.)

۲- قرآن راه نجات از نزع و فساد و اختلاف را چه می داند؟

۲- اختلاف به شیوه حاکمان ستمگر (اختلاف فرعونی)

اختلاف فرعونی حاصل تسلط فرعونیان بر سرنوشت و جان و مال مردم است. سیاست و روش فرعونیان این است که انسان ها را به دو دسته شهروند درجه یک و شهروند درجه دو تقسیم کنند و درجه اولی ها را به جان درجه دومی ها بیندازند تا خود بتوانند بر هر دو حکومت کنند. (قرآن این سیاست را استخفاف یعنی تحقیر و سبک کردن انسان ها می نامد.) این مطلب در آیه ۴ سوره قصص تصریح شده است :

«وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»

«و مردم آن را [سرزمین مصر] طبقه طبقه ساخت. طبقه ای از آنان را بزبون و ضعیف می داشت؛

پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت.»

فرعون قبطی‌های مصر را بر سبطی‌ها حاکم نمود و آنها بی‌رحمانه سبطی‌های ستم‌دیده را آزار می‌دادند و استثمار می‌کردند. فرعون پسران بنی اسرائیل را می‌کشت و دختران را برای کار اجباری و بردگی زنده می‌گذاشت. راه برخورد با اختلاف فرعون، آگاهی دادن به توده‌های مردم و مقاومت کردن در مقابل سیاست‌های اختلاف‌برانگیز فرعونیان است.

۳- اختلاف نژادی، زبانی و قومیتی

قرآن کریم تفاوت رنگ و زبان انسان‌ها را آیه و نشانه عظمت خالق و مایه تفکر دانایان می‌داند. به راستی، انسان‌های سفید، سرخ، سیاه و زردپوست و اقوام و قبایل گوناگون، تابلوهای رنگین خداوند در نمایشگاه بزرگ هستی هستند. آری، وجود این همه زبان و لهجه در میان مردم روی زمین آثار صنع الهی است نه بستری برای تفرقه و نزاع. بشر با نگرش نادرست به این امر مهم، جنگ‌ها برافروخته است، دل‌های زیادی را شکسته و روح‌های بسیاری را آزرده و خون‌های فراوانی ریخته است. برای رفع این اختلاف‌های واهی، باید این تنوع در خلقت را نشانه‌ای از قدرت الهی دانست. هیچ انسانی در تعیین رنگ پوست، نژاد و قومیت خود دخیل نیست؛ که مطابق آیه قرآن در سوره حجرات، این خلقت با کلمات «خلقنا: آفریدیم» و «جعلنا: قرار دادیم»، کار خداوند دانسته شده است.^۱

بنابراین، باید با تفاوت‌های زبانی، قومی، نژادی و قبیله‌ای آگاهانه برخورد کرد و با همگان با لطف و محبت ایمانی رفتار نمود؛ همان‌گونه که رسول رحمت و رأفت با بلال حبشی، صهیب رومی، سلمان فارسی، کابان کردی و... برخورد می‌کرد.

۴- اختلاف دینی

قرآن شریعت آسمانی را منشأ تمام ادیان آسمانی می‌داند.^۲ همچنین، همه پیروان این ادیان

۱- سوره حجرات آیه ۱۳: «بَا أُنْثَى النَّاسِ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و به صورت تیره‌ها و قبیله‌های متفاوت در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی‌ترین شما در محضر خداوند با تقواترین شماست.

۲- سوره شوری، آیه ۱۳: خداوند آیینی را برای شما مؤمنان بیان و روشن نموده که آن را به نوح توصیه کرده است؛ همان دینی که آن را به تو، ابراهیم، موسی، و عیسی سفارش کرده‌ایم..... توجه کنید که تشریح یعنی قانون‌گذاری و ترسیم برنامه زندگی.

را مُسلم می‌نامد.^۱ این شیوه نام‌گذاری به معنای آن است که تمام پیروان ادیان ابراهیمی باید تسلیم خداوند شوند و موحد گردند. از طرف دیگر، قرآن برنامه توحید را برنامه مشترک پیروان رسول الله و نیز برنامه اهل کتاب^۲ می‌نامد^۳ و اهل کتاب را بسیار واقع‌بینانه تقسیم می‌کند و تعهد گروهی از آنان را به عبادت خدا، تلاوت آیات خدا و سجده کردن در نیمه‌های شب می‌ستاید.^۴ با توجه به تمام اینها درمی‌یابیم که دیدگاه قرآن، دیدگاهی عادلانه و منصفانه است. طبیعتاً برخورد با اهل کتاب در سنت هم، همین گونه است. پیامبر همه انبیای الهی را برادران خود می‌دانست؛ همواره با احترام از آنها یاد می‌کرد و یکی از اولین اقداماتش در مدینه، اعلان صلح با اهل کتاب ساکن آنجا بود. اگرچه اهل کتاب بارها علیه پیامبر و صحابه توطئه کردند، بر آنها دروغ بستند و نسبت به آنها بی‌ادبی کردند و حتی با مسلمانان جنگیدند و پرچم جنگ را برافراشتند؛^۵ طوری که پیامبر و صحابه در نهایت مجبور شدند با آنها مقابله کنند. با وجود این، مسلمانان از جاده حق و صواب خارج نشدند. قرآن حتی با مشرکان هم منصفانه برخورد کرد و فراتر از این، به پیروانش امر کرد که به مشرکان ناسزا نگویند.^۶ بنا بر تمام این دلایل، اسلام دین صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و پیروی از دین اسلام به معنای برافراشتن پرچم جنگ علیه پیروان ادیان دیگر نیست. قرآن می‌فرماید:

«خداوند شما را از رفتار نیکو با کسانی که [به‌خاطر دین] با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نکردند، منع نمی‌کند. با آنها به نیکی و عادلانه رفتار کنید؛ چون خداوند عادلان و نیکومثشان را دوست دارد، بلکه خداوند شما را از این منع می‌کند که با کسانی دوستی کنید که [به‌خاطر تعصبات دینی خود و ضدیت با دینتان] با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون راندند و برای بیرون کردن شما، دیگران [یعنی مشرکان] را یاری کردند».^۷

بنابراین، تفاوت دین نمی‌تواند دست مایه‌ای برای جنگ و جدل و خون‌ریزی و بغض و کینه باشد و

۱- به آیات ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۲، سوره بقره و آیات ۵۲، ۶۷، ۸۴، سوره آل عمران، سوره مائده آیه ۱۱۱، انعام آیه ۱۶۳، یونس آیه ۸۴ و ۹۰ و سوره عنکبوت آیه ۴۶ مراجعه کنید.

۲- به یهود و نصاری در اصطلاح قرآن «اهل کتاب» می‌گویند؛ یعنی کسانی که پیرو تورات و انجیل اند.

۳- سوره آل عمران، آیه ۶۴

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۱۳

۵- جنگ احزاب یکی از بارزترین این موارد است.

۶- سوره انعام، آیه ۱۴۱

۷- سوره ممتحنه، آیات ۸ و ۹

همان طور که گفتیم، تاریخ اسلام ثابت کرده است که مسلمانان با تمسک به قرآن و سنت، بهترین رفتار را با اهل کتاب و پیروان سایر ادیان داشته‌اند.^۱ امروزه هم مسلمانان باید از تحریک ناهلان متأثر نشوند و رأفت و رحمت اسلامی را فراموش نکنند.^۲

ما به عنوان پیروان کتاب (قرآن) و سنت باید با اهل کتاب با مهربانی و عدالت رفتار کنیم، پیروان سایر ادیان را به عنوان انسان بپذیریم^۳ و بدانیم که جلوه‌های اجتماعی و اخلاقی اسلام، مکمل جلوه‌های فردی و عبادی آن در شخصیت فرد مسلمان است و هر نوع کوتاهی عمدی در این زمینه خیانت به دین خدا محسوب می‌شود.

۵- اختلاف مذهبی

یکی از زمینه‌های مهم برای رشد تفرقه میان مسلمانان تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌ای است؛ این تفاوت‌ها در طول سالیان دراز مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است. آنچه مهم است آن است که هریک از گروه‌ها، فرقه‌ها و مذاهب نباید دیگری را کافر و خارج از دین بداند. اگر مسلمانان در برخورد با یکدیگر کشمکش‌های فرقه‌ای، مذهبی و قومی خود را رها کنند و پیوند و همبستگی میان خود را حفظ کنند می‌توانند تمدن از دست رفته خود را دوباره احیا کنند و در مقابل هجوم گسترده و بی‌امان غرب ایستادگی نمایند. تقویت عوامل همگرایی و پرهیز از کارهای تفرقه‌ساز بر همگان واجب و ضروری است.

روش صحیح برخورد پیروان مذاهب باهم

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که همگی در کاروان ایمان هستند و تفاوت در آراء فقهی نباید قلب آنها را از هم دور کند. کافی است به همایش بزرگ و روح پرور حج بیندیشیم که چگونه همگی آنها در صف‌های پر از لطف و صفا در کنار هم نماز می‌خوانند و طواف و سایر اعمال را انجام می‌دهند. حاجیان نمایندگان تمام امت در آن عبادت پر از رمز و رازند. در حج که نمونه‌ای زیبا از کل اسلام است، تفاوت مذهبی نتوانسته است صفوف حجاج را بر هم زند، پس می‌توان با قاطعیت گفت که جایی

۱- رفتار شخص رسول الله ﷺ، خلفای راشدین، اموی‌ها به خصوص عمر بن عبد العزیز، عباسیان و عثمانی‌ها (به ویژه سلطان عبدالحمید نانی) بهترین نمونه و الگو برای مسلمانان معاصر است.

۲- سال‌هاست که سیاستمداران بیمار دل می‌خواهند پیروان ادیان ابراهیمی را به جنگ و خون‌ریزی وادارند و در این میان، کارنامه درخشان مسلمانان را مخدوش کنند. حاصل تحریک‌پذیری مسلمانان در مقابل این شیطنت‌ها، کشته شدن جوانان مسلمان از طرفی و خشن جلوه کردن دین اسلام از سوی دیگر است که طبعاً هر دو به ضرر مسلمانان است.

۳- توصیه امیرالمؤمنین در نامه مشهورش به والی مصر.

برای اختلاف^۱ یا بزرگ‌نمایی اختلافات جزئی باقی نمی‌ماند.

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که از کنگرهٔ آسمان آنها را ندا داده‌اند که:

«واعتصموا بحبلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛^۲ «همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و متفرق نشوید».

۶- اختلاف طبقاتی

منظور از اختلاف طبقاتی تفاوت اقشار مختلف مردم در محدودهٔ رفاه است. در یک دسته‌بندی کلی انسان‌ها را از نظر برخورداری از رفاه می‌توان به سه دستهٔ فقیر، متوسط و ثروتمند تقسیم کرد. در مورد اختلاف طبقاتی باید توجه کرد که روش قرآن این است که معمولاً همراه با امر به صلوات به ادای زکات هم امر می‌کند و به قول مفسران، قرآن می‌خواهد رابطهٔ انسان را با خدا به وسیلهٔ صلوات و رابطهٔ مؤمن را با دیگران با زکات و عبادات مالی گرم و صمیمی کند. چنین دینی چگونه می‌تواند به انسان‌ها اجازه دهد به خاطر تفاوت طبقاتی با همدیگر تنازع و کشمکش کنند، یکدیگر را تحقیر کنند و یا به یکدیگر ستم روا دارند. راه پرهیز از اختلافی که ریشه در تفاوت طبقاتی دارد، تفکر به مفاهیم والای اسلامی در زمینهٔ مساوی بودن قدر و منزلت انسانی است.

۷- اختلاف حزبی^۳

حزب در لغت به معنای تجمّع است و به مجموعه‌ای از مردم که حول عقیده‌ای جمع شده‌اند، حزب می‌گویند. در اصطلاح علم سیاست، به سازمان‌های سیاسی که در پی تأثیرگذاری بر حکومت‌اند، حزب گفته می‌شود.^۴ پیوستن به احزاب محاسنی دارد که از جملهٔ آنها پشتیبانی اعضا از فرد و قوت یافتن فرد با پیوستن به جمع است.^۵ با وجود این نقطهٔ قوت، پیوستن به حزب گاه خالی از اشکال نیست. یکی از بلاهای پیوستن به حزب، تحزّب به معنای منفی آن است. تحزّب در معنای مثبت آن پیوستن به حزب است اما گاهی به دسته‌بندی انسان‌ها و ایجاد مرزبندی و پراکندگی در میان صفوف انسان‌ها و تعصب بیجا، گفته می‌شود. در این صورت فردی که دچار تحزّب شده است؛ از دیگران دور می‌شود، نسبت

۱- به معنی نزاع و کشمکش نه تفاوت.

۲- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳

۳- اختلاف جنسیتی، صنفی و طبیعی هم از دیگر انواع اختلاف است که توسط انسان‌ها موجب نزاع و کشمکش می‌شود.

۴- در جهان این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن افرادی با دیدگاه‌های همسو با حزب برای به‌دست آوردن مسئولیت و مناصب

سیاسی صورت می‌پذیرد.

۵- الکساندر دوما، شعار «یکی برای همه، همه برای یکی» را شعار گروه کوچکی از تفنگ‌داران ذکر کرده است. امروزه به‌نظر می‌رسد که

افراد امتیاز ملحق شدن به حزب را با این شعار بیان می‌کنند.

به سایر انسان‌ها زاویه پیدا می‌کند و به شیوه‌ای صرفاً عاطفی و به دور از تعقل از افراد هم‌حزبی خود دفاع می‌کند. گاهی کار به جایی می‌رسد که اخوت اسلامی فراموش می‌شود و مفاهیم وسیع اسلامی در چارچوبی تنگ محصور می‌گردند و این مسئله‌ای است که دلسوزان امت از آن منع می‌کنند. امروزه امت اسلامی، احزاب و جناح‌های بزرگی دارد که پیوستن به آنها (اگر به اثبات خود و نفی دیگران تفسیر و تعبیر شود) در نهایت به محدودهٔ اختلاف مذموم و ناپسند می‌رسد.

در اینجا لازم است به برنامه‌های پیامبر ﷺ در مدینه توجه کرد. رسول مودت و رحمت در میان مهاجران و انصار مدینه پیمان برادری برقرار نمود و برای عاطفی کردن بیشتر این پیمان، آنها را، دو نفر دو نفر برادر اعلام کرد. این برنامه در تاریخ اسلام «اخاء» نامیده می‌شود.

راه برخورد صحیح با آفات همسویی با احزاب این است که بدانیم ما به عنوان مسلمان مأموریم که در طول شبانه روز حداقل نُه بار در تشهد به تمام مسلمانان سلام دهیم و این بدان معناست که تفاوت‌های حزبی هم نمی‌تواند تمسک مسلمانان به صراط مستقیم را به هم بزند. باید بدانیم که مصالح جمعی مسلمانان و اعتصام آنها به حبل خداوند، مقدم بر مصالح حزبی و گروهی است.

سخن آخر دربارهٔ دوری از اختلاف :

بسیاری از واژگان کلیدی اسلام حامل مفاهیم صلح، آرامش و نیکی کردن است.^۱ زندگی پرخیر و برکت رسول الله ﷺ و آموزه‌های گهربار قرآن و سنت هم سرشار از مفاهیم دوستی، الفت، مهر، محبت و انس و اتحاد است. همهٔ اینها نشان می‌دهند که هر کس دین اسلام را به گونه‌ای صحیح و همراه با اشراق درونی بفهمد، از تنازع، درگیری و اختلاف دوری می‌کند.

بیشتر بدانیم

در برابر اندیشهٔ وحدت و اتحاد، اندیشهٔ تفرقه افکنی و ایجاد چند دستگی قرار دارد. همگان جملهٔ معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» را شنیده‌ایم. شاید باور این نکته چندان آسان نباشد که به‌رغم تصور بسیاری از افراد، این روش منحصرأ ابزار استثمار و استعمار برای سلطه‌گری بر ملت‌های عقب‌مانده و غارت آنهاست و به‌کارگیری آن قدمتی چندین هزارساله دارد. در قرآن کریم آمده است که «فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود». این شاهد قرآنی، خود مؤید گفتهٔ بالاست که استفاده از ابزار تفرقه افکنی پیشینه‌ای به قدمت طغیان و برتری طلبی انسان و بهره‌کشی او از همنوع خود دارد. با اندیشه کردن در این مسئلهٔ تاریخی، وحدت کلمه و اعتصام

۱- واژگانی مثل اسلام، مسلم، ایمان، مؤمن، دارالسلام (سرای صلح و سلامتی یکی از نام‌های بهشت است).

همگانی به ریسمان الهی و نیز مخالفت طاغوت‌ها با پیام آوران این دعوت آشکار می‌شود. مردمان یا هم‌کیش‌اند یا همنوع، و باید به دنبال راهی برای همراهی و همیاری بود. دشمنان این را نمی‌خواهند و بذره‌های تفرقه را می‌پروراندند. فرومایه آن کس که ناخواسته در این کشتزار به بیگاری گرفته شده است؛ شیعه نام باشد یا مدعی «سنت». در سایهٔ اخوت و برادری است که مصیبت‌ها آسان می‌شود. وحدت است که یوایی می‌آفریند. باید به قرآن بازگردیم و هویت گم‌گشتهٔ خویش را بازشناسیم. باید به ریسمان الهی چنگ زنیم و از ناملايمات هراسی به دل راه ندهیم که اگر خدا را باور کنیم و دل به آنچه در کتاب او آمده بسپاریم، نه سست خواهیم شد نه اندوهناک.

تکمیل کردن

دربارهٔ اوضاع نامناسب سیاه‌پوستان در جوامع غربی، به خصوص آمریکا، تحقیق کنید.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با اندیشیدن دربارهٔ عبادت با شکوه حج، بنویسید که تعامل مسلمانان با هم (با وجود مذاهب و آراء مختلف فقهی) باید چگونه باشد؟
- ۲- آثار و نتایج زیان‌بار تفرقه چیست؟ چند مورد را نام ببرید.
- ۳- تفاوت‌های موجود میان اقوام و مذاهب در کشور را چگونه می‌توان به فرصتی برای اتحاد تبدیل کرد؟
- ۴- عمده‌ترین کار پیامبر ﷺ در مدینه برای ایجاد اتحاد در بین صحابه چه بود؟ در این باره تحقیق کنید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ
 عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا
 مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ
 الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
 إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ
 أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ
 وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا
 وَلَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ
 تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾



آینده تاریخ در پرتو اخلاق اسلامی

درس هشتم

از دیدگاه اسلامی، مطالعه آینده تاریخ مبتنی بر ملاحظاتی است که با آنچه در تفکرات آینده‌شناسان غربی می‌یابیم متفاوت است؛ زیرا بیشتر این آینده‌شناسان غربی، دست خداوند را یکسره از تاریخ انسان کوتاه می‌پندارند و آینده را براساس استنباط از روند کنونی جمعیت‌شناختی، اقتصاد، زیست‌محیطی و مانند اینها مطالعه می‌کنند، درحالی که در دیدگاه اسلام، مطالعه آینده همواره مشروط به این است که اراده الهی را در همه لحظات زندگی انسان و در همه دوره‌های تاریخی حاضر بدانیم.

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت و فضایل اخلاقی تلاش و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبای و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک، کفر، ستمگری و بهره‌کشی از انسان‌ها را پیشه خود ساخته‌اند.

آنان که از شناخت آفریننده جهان در مانده‌اند و اداره‌کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند؛ اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود جهان را اداره می‌کند، براساس وعده الهی باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل شکست خورده و صحنه را ترک خواهد کرد.

دیدگاه قرآن کریم درباره آینده تاریخ

قرآن کریم آینده تاریخ را برای انسان‌ها پیش‌بینی کرده است، آنجا که می‌فرماید:

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنان را جانشین در زمین قرار دهد همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد و برای آنان دینشان را مستقر سازد و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا بپرستند و به چیزی شرک نورزند»^۱

در این آیه، وعده خدا به کسانی از امت محمد ﷺ است که ایمان آورده‌اند و کارهای پسندیده کرده‌اند؛ وعده این است که خدا ایشان را در زمین جایگزین دیگران می‌گرداند و آیین ایشان را که برای آنان می‌پسندد حتماً پابرجا و برقرار خواهد ساخت و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد. این وعده خداست. وعده خدا حق است و رخ می‌دهد و خدا هرگز خلاف وعده نمی‌کند.^۲

از دیدگاه قرآن مجید نیز آغاز جهان خلقت همواره نبردی چشمگیر مابین اهل حق و باطل وقوع یافته است؛ برای مثال میان گروهی از طراز ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ و پیروان مؤمن آنها و گروهی از طراز نمود، فرعون، جباران یهود و ابوجهل و امثال آنها این نزاع برپا بوده است؛ به تعبیر مولانا همواره دو پرچم یکی سپید و دیگری سیاه در جهان افراشته است. در این نبردها گاهی حق و گاهی باطل پیروز بوده است که البته این پیروزی‌ها و شکست‌ها بستگی به یک سلسله عوامل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی داشته است. اما به تعبیر قرآن، در آینده تاریخ این توازن و برابری به نفع خیر خواهد بود و در نهایت این نیروی خیر است که بر شر غلبه می‌کند؛ اما این نیروی خیر که قرآن آن را اختصاص به بندگان شایسته خداوند می‌دهد باید همچون گذشتگان پرافتخار خود با ایمان و عمل در جهت جانشینی الهی تلاش کند و این امر منوط به پابندی به شجره طیبه اسلام است.

در تاریخ اسلام و با تأکیدات آیات قرآن یکی از مهم‌ترین عوامل نفوذ حق بر باطل، پابندی به اصول اخلاقی است. اخلاق اسلامی به عنوان اصلی‌ترین مبنایی در توسعه دین و آرمان‌های اسلامی در جهان محسوب می‌شود که در آن عدالت فردی و اجتماعی به عنوان زیربنای آن آمده است؛ بدین معنی که اگر بتوان آحاد جامعه اسلامی را متخلق به فضیلت عدالت و اخلاق حسنه نمود، در واقع به توسعه حقیقی آرمان‌های اسلامی دسته یافته‌ایم. در ادامه به تبیین ساختار این ثمره درخت اسلام که همان اخلاق اسلامی است می‌پردازیم.

۱- سوره نور، آیه ۵۵

۲- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، ترجمه مصطفی خرم‌دل، ج ۴، ص ۸۳۸

اخلاق اسلامی

یکی از مهم‌ترین ثروت‌های انسان، اخلاق ستوده است و ارزشمندترین این نوع ثروت، اخلاق اسلامی است.^۱ اخلاق اسلامی به مجموعه آداب و منش‌های فردی و اجتماعی گفته می‌شود که با تکیه بر تنه درخت محکم دین، اصالت می‌یابد و میوه رفتار صحیح را در وجود مؤمن به بار می‌آورد. اخلاق فرد مسلمان معامله یا رفتاری سطحی و مصلحت‌گرایانه نیست. او مؤمن است و آب حیات در وجودش جریان دارد؛ به همین سبب، سخنانش مهرآمیز و نگاهش پر از عطف و بر خوردش گرم و صمیمی است. توحید و ایمان به قیامت، رنگ و بویی خدایی به گل وجودش داده است.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲

«ما آن سرای آخرت را برای کسانی برپا می‌کنیم که در زمین، خواهان هیچ نوع تکبر و استکبار و فساد و تباهی نیستند [و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی، خود بزرگ بینی و تباہکاری، پاک است] و عاقبت و پایان خیر فقط مخصوص پرهیزگاران است.»

تدبّر در آیه

با تدبّر در آیه ۸۳ سوره قصص، بگوئید که برای بهشتی شدن چند شرط تعیین شده است.

بیشتر بدانیم

از آیه زیر می‌توان فهمید که تواضع و یاکی مؤمنان (به عنوان دو اخلاق والا و برجسته)، حاصل ایمان آنها به قیامت است.

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^۳

«بندگان خاص خداى مهربان کسانی هستند که در زمین با فروتنی و دور از غرور راه می‌روند و هنگامی که نادانان آنها را مورد خطاب قرار دهند، به گونه‌ای ملایم و مسالمت‌آمیز جواب می‌دهند.»

۱- دیرین و دانش‌آموزان عزیز دقت کنند که هدف از این درس، تعریف علم اخلاق و تقسیم موضوعات و ذکر سیر تحول آن نیست بلکه هدف این است که با چند زیر ساخت اخلاقی و چند مورد اخلاق اسلامی آشنا شویم و اصل موضوع را با گوش جان بشنویم.

۲- سوره قصص، آیه ۸۳

۳- سوره فرقان، آیه ۶۳.

۴- توجه کنید که در شریعت اسلامی دو نوع سلام وجود دارد: ۱- سلام ملاقات، ۲- سلام خداحافظی. منظور از سلام در این آیه، سلام دوم است؛ یعنی بندگان خوب خدا صحنه نزاع و درگیری با جاهلان را رها می‌کنند. گرچه ممکن است برای ما ایرانی‌ها سلام دوم چیز عجیبی باشد؛ چون در ایران از کلمه «خداحافظ» یا «خدا نگهدار» استفاده می‌شود. فرقان، ۶۳

قرآن رفتار نرم و عاطفی پیامبر را هم حاصل رحمت خدا می‌داند :

«فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ.»^۱

«در پرتو رحمت خداست که تو با آنان [که سر از خط فرمان کشیده بودند] نرمش نمودی و اگر

درشت‌خوی و سنگدل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.»

جان کلام این است که باور عمیق به توحید و قیامت، نرم‌خویی و خوش‌قلبی و در نهایت خوش‌سخنی را

به‌دنبال دارد و معنای عمیق پشتوانه‌دار بودن اخلاق اسلامی، همین است.

تدبیر در آیه

با توجه به آیه ۶۳ سوره فرقان بنویسید که ترک کردن کسی که برخوردش مناسب نیست، چه

مزیتی بر مقاومت و درگیر شدن با او دارد.

چند ستون اساسی در ساختار اخلاق اسلامی

با مطالعه قرآن متوجه می‌شویم که اخلاق خوب مؤمن با چند پشتوانه^۲ محکم^۳ تقویت می‌شود. در واقع، این پشتوانه‌ها اکسیرهای^۴ با ارزشی هستند که کیمیاگرانه داشته‌های وجودی انسان عادی را به طلای ناب تبدیل می‌کنند.

۱- بیداری و یقظه

اگر قرآن را با تأمل مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که این کتاب روح پرور حاوی شش موضوع اصلی است. یکی از این موضوعات، توصیف طبیعت و جلوه‌ها و نعمات نهفته در آن است. اندیشه در صنع زیبای خداوند بذر حب او را در دل انسان می‌کارد و در نهایت، باغ وجود انسان را گلستانی از عمل صالح و اخلاق زیبای اسلامی می‌کند. قطرات زیبای باران که به امر خداوند به طبیعت طراوت و زیبایی می‌بخشد و با نغمه مخصوص خود جان‌ها را می‌نوازد و میوه‌ها و ثمرات رنگارنگ را به بار می‌آورد، تنوع رنگ خاک و سنگ کوهستان‌ها (رنگ‌های سفید، قرمز، سیاه و... خطوط کوه‌ها) مردمان رنگین‌پوست (سیاه، سفید، سرخ و زردپوست)، چهارپایان متنوع و جنندگان رنگارنگ (پروانه‌ها،

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

۲- جز اعتقاد به توحید و قیامت

۳- قدما (گذشتگان) به دارویی که درمان تمام امراض بود، در اصطلاح اکسیر می‌گفتند. اکسیر در واقع جوهری آمیزنده و گدازنده بود که ماهیت اجسام را تغییر می‌داد و مثلاً نقره و مس را طلا می‌کرد (این ماده اساساً وجود نداشت و وجود ندارد) اما براساس آن اعتقاد، در ادبیات فارسی به هر راه حل و اندیشه زیر بنایی فعال و پویا و با هر آنچه بسیار مفید است، اکسیر می‌گویند.

پرندگان، چرندگان، و درندگان متنوع) مگر صفحاتی از کتاب پر رمز و راز زندگی نیستند؟ چرا نباید در این کتاب جذاب نگرست^۱ و چرا انسان کتاب آسمانی ترسیم کننده این آیه‌های زمینی را تلاوت نکند تا سر سجود برآستان خدای بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ نهد و با خلق خدای، خوش خوی و خوش اخلاق گردد و در نهایت، در بهشت خداوند کارنامه قبولی دریافت کند و برای همیشه و تا ابد، در بهشت پر صفای پروردگارش با نیکان و عزیزان خدا دمساز گردد و بیاساید. قرآن از انسان‌های غافل‌ی که در نمایشگاه جذاب هستی از کنار آیات آسمان و زمین می‌گذرند و با ناسپاسی راه اعراض و بی‌توجهی را در پیش می‌گیرند، انتقاد می‌کند:

«وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»^۲.

«وجه زیادند آیات خداوند در آسمان‌ها و زمین، که غافلان از کنارشان می‌گذرند و در موردشان

تأمل و اندیشه نمی‌کنند و آنها را نادیده می‌گیرند».

قطعاً کسی که به خدا و آیتش بی‌اعتناست، به‌طور طبیعی در مقابل خوبی‌ها و خدمات پاک پدر و مادر و خانواده، ناشکری و ناسپاسی می‌کند. او به راحتی می‌تواند در مقابل خوبی‌های مردم بی‌مهری و ناسپاسی کند؛ بنابراین، ذکر خداوند و تفکر در آیات و نعمات او مَلَكَةٌ^۳ شکر و سپاسگزاری را، که از منجیات^۴ اخلاقی است، در انسان ایجاد می‌کند.

گام اول در پیدا کردن اخلاق نیکو همین یقظه (بیداری) و فکر و ذکر است. قرآن در موارد متعدد انسان را به یقظه دعوت می‌کند و به او می‌گوید بیدار شو. شما با ارزش هستی؛ شما جاودانه‌ای و قیمت شما بهشت است. در نمایشگاه پر فرّ و شکوه هستی غافلانه حرکت نکن. به آیات خدا با اندیشه نگاه کن و به وجود خودت بیندیش.

۲- تخلیه و رهایی از مهلکات

اکنون که بیدار شده‌ایم، لازم است وجودمان را از آلودگی‌هایی که تجربه کرده‌ایم، پاک کنیم. خداوند ما را پاک آفریده است اما خطاها، تأثیرات محیط، و سوسه‌های شیطانی و نفسانیات، وجودمان

۱- ترسیمی از آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فاطر

۲- سوره یوسف، آیه ۱۰۵

۳- ملکه یکی از اصطلاحات علم اخلاق است. به صفتی راسخ و جای گرفته در وجود انسان که تغییر یا برداشتن آن تلاش و رنج و زمان بخواهد، ملکه گویند. ملکه در وجود انسان دو نوع است: ۱- ملکه خیر (صفات نیکو پسندیده)، ۲- ملکه شر (صفات زشت و ناپسند). قرآن ملکه خیر را «استقامت» و ملکه شر را «اصرار» می‌نامد.

۴- به عقیده یکی از بزرگ‌ترین صاحب نظران اخلاق اسلامی (امام محمد غزالی رحمته‌الله)، منجیات (نجات‌دهندگان) به اخلاق پسندیده‌ای می‌گویند که موجب نجات ابدی فرد متخلق و آراسته به آن می‌شود. در مقابل، امام غزالی به اخلاق ناپسندی که موجب هلاکت و بدبختی انسان می‌شود مهلکات (نابود کننده‌ها) می‌گوید.

را به مهلکاتی مبتلا کرده‌اند که ابتدا باید آنها را بشناسیم و با جدیت خویش، خود را از آنها پاک کنیم. اگر در منزل با ناپاسی با پدر و مادر برخورد می‌کنیم، اگر در جمع دوستان تندخو هستیم، اگر با مردم منصف نیستیم و در تعاملات اجتماعی حق و عدالت را رعایت نمی‌کنیم، باید خود را از این اخلاق‌های ویرانگر دور کنیم.

آشنایی با چند مورد از مهلکات

در علم اخلاق، به ناهنجاری‌های رفتاری «مهلکات» می‌گویند، این ناهنجاری‌ها به این سبب که زندگی و حیات ایمانی را نابود می‌کنند، مهلکات نام گرفته‌اند.

علمای علم اخلاق، تکبر، حسد، فساد، تباهی و بی‌رحمی را از بزرگ‌ترین انواع مهلکات به حساب می‌آورند. لازم است هر کدام از موارد بالا را به اختصار بررسی کنیم.

الف) تکبر:

روزی رسول خدا ﷺ با صحابه رضی الله عنهم دربارهٔ فرجام بد تکبر صحبت می‌فرمودند. فردی از صحابه عرض کرد: انسان دوست دارد لباسش خوب و کفش‌هایش زیبا باشد. پیامبر فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبْرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَ غَمَطُ النَّاسِ»^۱؛ خداوند زیباست^۲، زیبایی را دوست دارد؛ تکبر انکار حق و سبک شمردن مردم است.

قرآن در بحث خلقت می‌فرماید که شیطان تکبر کرد.^۳

پیامبر و صحابه بزرگوارش از تکبر بسیار دور بودند. در تاریخ آمده است که وقتی اسبی جوان را به امیرالمؤمنین رضی الله عنه هدیه کردند، از سوار شدن به آن امتناع نمود و در جواب دوستانش که به این کار اصرار می‌کردند، فرمود: «این اسب زیبا و جوان است. می‌ترسم با سوار شدن به آن دچار تکبر گردم.»

تدبّر در حدیث

با تدبّر در حدیث پیامبر رضی الله عنه بگویید چرا انکار حق، بر تحقیر مردم (در تعریف تکبر)، مقدم شده است.

۱- مسند احمد ۴۴۳۶، سنن الترمذی ۱۹۹۸، سنن ابو داود ۹۱۸۰، صحیح مسلم ۹۱، سنن ابن ماجه ۵۹. این حدیث به گونه‌ای بسیار زیبا تصویری جامع از تکبر را ترسیم می‌کند.

۲- در تفسیر کلمهٔ جمیل برای خدا شارحان حدیث گفته‌اند، کار خدا زیباست، نام‌های زیبا و نیکو دارد و دارای صفات کمال و جمال است.

۳- خوب است بدانید که حسد به آدم رضی الله عنه و در پی آن سربیزی از خداوند و تکبر در مقابل قدر و منزلت آدم رضی الله عنه سه موردی بود که موجب هلاکت شیطان شد.

گسترهٔ تکبر: تکبر انسان‌ها در مقابل هم، زمینه‌های متفاوتی دارد و شایع‌ترین انواع آن عبارت‌اند از: تکبر در زمینهٔ محل ولادت^۱، زبان، نژاد، تکبر در زمینهٔ جایگاه طبقاتی (ثروتمند و فقیر)، مشهور و غیر مشهور، تکبر جنسیتی و حتی تکبر دینی.^۲

راه درمان تکبر این است که انسان به اصل خلقت بنگرد و مرگ را از یاد نبرد و فراموش نکند که تمام نعمت‌ها از خداست. ضمناً دعا کردن و درخواست تواضع از خدا هم اکسیری بسیار کارا و موفق است.

(ب) حسد:

در علم اخلاق، تلاش برای به دست آوردن کمالات دیگران، غبطه نام دارد و غبطه یکی از انواع ارزش‌هاست، اما تلاش برای نابود کردن خوبی‌ها و کمالات مردم، حسد نامیده می‌شود. حسادت نوعی تنگ نظری و کم ظرفیتی است و اولین قتلی که در زمین انجام شد در پی حسادت بود.^۳

حسادت بیماری خطرناکی است که روح و روان و آسایش فرد حسود را به خطر می‌اندازد (همان ضرب‌المثل معروف حسود هرگز نیاسود) و در صورت عملی شدن افکار فرد حسود، آرامش کسی هم که مورد حسد قرار گرفته است، به خطر می‌افتد. فرد حسود در واقع انسان جسوری است که معترض اراده و حکمت خداوند و در مواردی تلاش فرد مورد حسادت است.

حسود از خیر خواهی به دور است؛ در حالی که خلاصهٔ دین خیرخواهی است. حسادت گاهی به کفر می‌انجامد؛ چنان که قرآن از قول کافران نقل می‌کند که به پیامبران می‌گفتند: آیا بشری ما را هدایت می‌کند؟ (که در بشر بودن مثل ما است.)

درمان حسادت: برای درمان حسادت، توجه به چند نکته لازم است:

- ۱- ما هم نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند.
- ۲- دنیا کوتاه و گذراست؛ غصه خوردن برای آن ارزش ندارد.
- ۳- حسادت، حقارت است؛ چرا خودمان را حقیر کنیم؟
- ۴- کسی که نعمت بیشتری دارد، وظیفه و تکلیف بیشتری هم دارد. (همان ضرب‌المثل «هر که بامش بیش برفش بیشتر.»)

۱- بحث‌های شهری و روستایی، شهرستانی و پایتختی بودن و...

۲- چه بسا کسانی که به سبب داشتن جایگاه علمی (در دین) و عبادت (با مصادیق مختلف آن) به تکبر دینی مبتلا می‌شوند. به قول حافظ:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

۳- اولین گناهی که در آسمان انجام شد، حسادت ابلیس به آدم بود.

۵- باید بدانیم که حسادت، خود آزاری است (البته در صورت دست به عمل زدن، به دیگر آزاری هم تبدیل می‌شود). خود آزاری و دیگر آزاری بهتر است یا آرام بودن و آسایش؟

۶- دعا بهترین داروست.

صحابه به جای حسد ورزیدن، از خوبی‌های دوستانشان تعریف می‌کردند و آنها را ستایش می‌نمودند. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه با وجود اینکه خود ثروتمند و اهل سخاوت بود، همیشه از سخاوت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه تعریف می‌کرد.

بیشتر بدانیم

دو نمونه دیگر از مهلکات :

۱- فساد و تباهی

خروج از اعتدال را (چه کم و چه زیاد) فساد می‌گویند. نقطه مقابل فساد، صلاح است. فساد در انسان این است که به جای طلب حلال به دنبال حرام باشد. به همین سبب اموری مانند دزدی، اختلاس، گناهان جنسی و تعرض به جان، مال، آبرو و دین مردم را فساد می‌گویند. امروزه فاسدان فناوری را در خدمت فسادشان به کار گرفته‌اند و از طریق رسانه‌ها و سایر وسایل موجود، فساد را ترویج می‌کنند؛ آن را تزیین می‌کنند و عادی جلوه می‌دهند.

متأسفانه ادبیات و هنر را هم فاسدان تخریب می‌کنند و با این دو موهبت و نعمت، مخاطبان را از جاده اعتدال خارج می‌سازند.

راه مقابله با فساد، یقظه و تخلیه است. باید بیدار باشیم و با توکل به خدا و اراده و هوشیاری، در مسیر اعتدال حرکت کنیم و اگر احیاناً از جاده صواب خارج شدیم، با استغفار و توبه بار دیگر به این جاده برگردیم. پاکي و پاک بودن و ادب در برابر خدا در هر سن و سالی ارزش دارد، اما در جوانی بسیار ارزش‌تر است و به قول اقبال لاهوری :

آبروی گل ز رنگ و بوی اوست	بی‌ادب، بی‌رنگ و بو، بی‌آبروست
نوجوانی را چو بینم بی‌ادب	روز من تاریک می‌گردد چو شب ^۱

۱- کسی را که به فساد مبتلا شده است، فاسد و فردی را که اعتدال اخلاقی دارد، صالح می‌گویند. کلمه فساد در مورد قلب و روح، بدن و حتی اشیاء خارج از اعتدال، به کار می‌رود. مثلاً روح و روان مهاجم و برخاسته را می‌توان فاسد نامید؛ چون از اعتدال خارج شده است یا عضوی زخمی را که متعفن شده است، می‌توان فاسد نامید؛ چون از حالت اعتدال بیرون رفته است. در مواد غذایی هم شیری که ترشیده شده، فاسد است؛ چون حالت اعتدال و پاکي را از دست داده و دگرگون شده است.

۲- جاویدنامه، اقبال لاهوری

در نوجوانی و جوانی باید همیشه در فکر تخلیه باشیم و به محض مبتلا شدن به بدی‌ها وجود خود را از آنها پاک کنیم. شکی نیست که فساد و تباهی آبروی انسان را نزد خود انسان نیز می‌برد.^۱

۲- بی رحمی:

یکی از مهلکات بسیار خطرناک، بی‌رحمی است و لازمه حیات قلب انسان، رحم است. وقتی شخص و جامعه بی‌رحم می‌شوند، هر نوع جرم و جنایتی آسان می‌گردد، امنیت نمی‌ماند و روز آرام انسان، به شبی سرد و تاریک تبدیل می‌شود.

امروزه بی‌رحمی به بیماری مسری، خطرناک و شایعی تبدیل شده است. نظام سرمایه‌داری برای حفظ پول و ثروت و سرمایه، جان انسان‌ها را حقیر می‌کند. افراد زیادی مهارت، ثروت و علم خود را با بی‌رحمی به جان مردم انداخته‌اند و جز سود شخصی، هیچ چیزی را مهم و هیچ‌کس را محترم نمی‌دانند. آنها با این روش، خود را هم از رحمت زمینیان (انسان‌ها) و هم از دعای آسمانیان (ملائکه) محروم می‌کنند. پیامبر رحمت چه زیبا فرمود: «الْزَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، اِرْحَمُوا مَنْ فِي الْاَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ»؛^۲ خدای مهربان به مهربانان رحم می‌کند. به اهل زمین رحم کنید تا اهل آسمان به شما رحم کنند.

باید در همین اوان جوانی بیدار شویم و قساوت قلب را از خود دور کنیم. قساوت و بی‌رحمی حاصل تحلیلی بسیار اشتباه است و آن تحلیل اشتباه این است که دنیا را میدان جنگ (و نه نمایشگاهی پر از لطف و صفا) بدانیم. باید با يقظه و بیداری دریابیم که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی ^۳

۱- آبرو اصطلاحی بسیار زیباست، گل زمانی شاد و خرم است که آبی در رو و وجودش مانده است و همین که این آب از بین می‌رود، خشک و پژمرده می‌شود و می‌ریزد. پاکی و مقاومت در مقابل پلیدی‌ها، آبروی انسان است و زندگی واقعی انسان وابسته به این اعتبار و آبروست. امروزه باید با هوشیاری بیشتر عمل کنیم. باید در آسمان زندگی شاهین وار پرواز کنیم؛ چون کرکس بودن بی‌آبرویی است:

کرکسان را رسم و آیین دیگر است سطوت پرواز شاهین دیگر است

کرکسان گردآگرد مردارها می‌چرخند و فرد فاسد، کرکس وار خود را در تباهی‌ها غرق می‌کند. شاهین و عقاب وجود انسان بلندپرواز است و محل سکونتش قلّه کوه‌ها و غذایش پاک‌ترین غذاهاست.

۲- سنن ترمذی ۱۹۲۴، مسند امام احمد ۲۴۶۵، سنن ابو داود ۴۹۴۱

۳- گلستان سعدی باب اول در سیرت پادشاهان؛ سعدی این شعر را از حدیث زیر گرفته است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَاتُرِهِمْ وَ تَرَاخُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اسْتَكْبَحَ بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى.

رسول خدا ﷺ فرمود: مَثَل مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم، مانند یک تن است که چون عضوی از آن بیمار شود، همه آن دچار بی‌خوابی و تب گردد (صحیح بخاری ۶۰۱۱، مسند امام احمد ۱۸۳۵۵، صحیح مسلم ۲۵۸۶).

۳- تجلیه

تجلیه در لغت به معنای آراسته شدن است و در اصطلاح علم اخلاق، آراستگی فرد مؤمن به اخلاق و اعمال نیک را تجلیه می‌گویند.

در این مرحله از خودسازی، انسان در پی آن است که ظرف وجود خود را از چیزهای پاک پر کند، ذاکر شود، خیرخواه گردد، مهربان شود و مهر بورزد، راه عبادت و بندگی و اخلاص در پیش گیرد و تا جایی که می‌تواند به دیگران خدمت کند؛ گرم و صمیمی به همگان سلام کند و با همه به نیکویی سخن گوید.
چون :

حرف بدر را برب آوردن خطاست کافر و مؤمن همه خلق خداست
آدمیت، احترام آدمی با خبر شو از مقام آدمی^۱

با احترام با همگان برخورد کند و برای افراد سالمند احترام ویژه‌ای قائل باشد. همچنین رحمتش نسبت به فقرا و ضعیفان، بیشتر از دیگران باشد.

ارزش اهل علم را بداند، و حتی در مورد حیوانات هم رأفت ایمانی را رعایت کند. اینها همه تجلیه هستند و زیبایی وجود انسان پس از یقظه و تجلیه با تجلیه صورت می‌گیرد. صحابه پیامبر ﷺ در دوره مدنی طوری در زمینه تجلیه کار کرده بودند که همگان در خودسازی با یکدیگر رقابت می‌کردند.

۴- تجلیه

تجلیه در لغت به معنای جلا دادن و شفاف نمودن است و در اصطلاح علم اخلاق به مرحله‌ای از خودسازی گفته می‌شود که مؤمن متخلق به اخلاق اسلامی، با اخلاص بیشتر و رفع کاستی‌ها، اخلاق و رفتار زیبایش را نیکوتر می‌کند و جلا می‌دهد. توصیف ضرار، دوست امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، از رفتار و عبادت آن بزرگوار تصویری گویا از تجلیه است. او می‌گوید: «شبی علی علیه السلام را دنبال می‌کردم که وارد مسجد شد. می‌خواستم عبادتش را بنگرم. علی علیه السلام شروع به نماز خواندن کرد. می‌گریست و خود را مورد خطاب قرار می‌داد. گاهی با دنیا صحبت می‌کرد و می‌گفت: ای دنیا، برو دیگران را فریب بده. علی به نعمت‌های فانی و لذت‌های گذرا، کاری ندارد. عمر تو کوتاه است و...»^۲ در این نوع مناجات زیبا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خواهد درون خود را در محضر خدایش صیقلی کند و تواضع دینی و تربیتی درونی‌اش را به اوج برساند.

۱- اقبال لاهوری، جاوید نامه.

۲- کتاب خلفاء النبی اثر خالد محمد خالد.

تجلیه با تواضع، استغفار و رفع نقص و کاستی عبادات و اخلاق نیک صورت می‌گیرد. هر چه دقت انسان در اخلاص بیشتر شود، اعمال و اخلاقیات جلالی بیشتری می‌یابد.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- درباره آثار و نقش استغفار در مقابل خداوند و عذرخواهی از مردم (به هنگام خطا و اشتباه) بیندیشید و توضیح دهید.
- ۲- در مورد کتاب مدارج السالکین و احیاء علوم دین تحقیق کنید. برای تکمیل تحقیق خود، کتاب معاصری را پیدا کنید و روش تربیتی آنها را به بحث و گفت‌وگو بگذارید.

۱- مراقبه، مشارطه، و محاسبه از دیگر مراحل خودسازی هستند که امیدواریم دیران گرامی و دانش‌آموزان عزیز در کلاس در این باره با هم به گفت‌وگو بنشینند.

منابع

- ١- سير اعلام النبلاء، شمس الدين ابو عبد الله، محمد بن احمد عثمان بن قايماز الذهبي، محقق: مجموعة من المحققين باشراف شيخ شعيب الارناؤوط، الطبعة مؤسسه الرساله بيروت، الثانيه، ١٤٠٢ هـ/ق/١٩٨٥م
- ٢- الفقه الاسلامي وادلته، زحيلي، وهبة، ناشر: دارالفكر، دمشق، سوريه، الطبعة: الخامس و التلاتون، ١٤٣٨
- ٣- البداية و النهاية لابن كثير (عمادالدين اسماعيل بن كثير دمشقي)، مكتبة المعارف، بيروت، الطبعة ١٤٣٨
- ٤- السنة و مكاتنها في التشريع الاسلامي، مصطفى السباعي، المكتب الاسلامي بيروت، نشر: دارالوراق، دارالنيرين، دمشق، الطبعة الثالثه، ١٤٠٢ هـ.ق
- ٥- منوى معنوى، جلال الدين محمد بن محمد مولوى، تصحيح: رينولد نيكلسون، تهران، نشر هرمس، ١٣٨٢
- ٦- اتمام الوفاء في سيره الخلفاء، محمد الخضري، نشر دارالفكر، بي تا
- ٧- صحيح البخاري، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل بخاري، نشر الدار الدعوة، تركيا ١٤٠١ هـ
- ٨- المرتضى (سيره و زندگي جامع تحقيقي و تأليفى اسوه تقوى و عدالت حضرت على مرتضى)، سيدابوالحسن على حسنى ندوى، چاپ اول، مركز انتشارات فاروق اعظم، زاهدان، پايز ١٣٨٥
- ٩- الاصابه في تمييز الصحابه، ابن حجر عسقلاني، ناشر دارالكتب العلميه، نشر بيروت لبنان، بي تا
- ١٠- تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، الطبعة حيدرآباد ١٣٢٥ هـ.ق
- ١١- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، تصحيح معمر فواد عبدالباقي، چاپ اول، قاهره، مصر ١٤١٢ ق/١٩٩١م
- ١٢- سنن ابن ماجه، ابن ماجه ابو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، قاهره، مصر، ١٤١٢ ق/١٩٩١م
- ١٣- خلفاي راشدين از خلافت تا شهادت، صلاح عبدالفتاح الخالدي، ٢٠١٤م
- ١٤- مسند، الامام احمد بن حنبل، شعيب الارناؤوط، عادل مرشد، بيروت، لبنان ١٤١٦ ق/١٩٩٦م
- ١٥- سنن الترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى ترمذى، تحقيق احمد محمد شاكر
- ١٦- مسند الدارمى (سنن الدارمى)، عبد الله بن عبدالرحمن دارمى، محقق: دارانى حسين سليمان، ناشر دارالمغنى، رياض، ١٤٢١ ق
- ١٧- گوستاولوبون فرانسوى، تمدن اسلام و غرب، مترجم سيد محمد تقى فخر داعى گيلاني، طهران ١٣١٨، چاپخانه علمى، چاپ سوم، ١٣١٨ هـ . ش
- ١٨- سيد قطب، تفسير في ظلال القرآن، مترجم دكتور مصطفى خرم دل، نشر احسان، چاپ پنجم، ١٣٩٤



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب ضمیمه دین و زندگی ۲ (ویژه اهل سنت) - کد ۱۱۱۲۳۸

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	دادکریم دانش پیپ	سیستان و بلوچستان	۹	ناصر میثاقی	هرمزگان
۲	سامی پورابراهیم	آذربایجان غربی	۱۰	عین الدین صدیقی	هرمزگان
۳	احمد تاجدار	آذربایجان غربی	۱۱	ملک جمشید کرد	سیستان و بلوچستان
۴	بهرام سرفراز روئین	خراسان شمالی	۱۲	نورصحت محمدی	خراسان شمالی
۵	صدیق محمودی	کردستان	۱۳	جمال قریشی	آذربایجان غربی
۶	منصور حسین زاده	کردستان	۱۴	گیتی پیرزاده	هرمزگان
۷	حسین فروغی فر	کردستان	۱۵	منظر دریانورد	هرمزگان
۸	جلیل بختیاری	کردستان	۱۶	موسی ملایی	هرمزگان

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظراً صلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴ - گروه دسی مربوطه و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تالیف کتاب های درسی عمومی متوسطه نظری

